

نبرد خلق

۳۸ تن از زندانیان سیاسی ایران در خطر اعدام قرار دارند

کارگران همه کشورها متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

NABARD - E - KHALGH No 134 . 22 JULY 1996

شماره ۱۳۴ دوره چهارم سال دوازدهم - اول مرداد ۱۳۷۵

سرمقاله -

از پیشینه، گسست و پیوند

— منصور امان

به مناسبت سالروز تشکیل شورای ملی مقاومت ایران

پیرامون زمینه ها و چگونگی قدرت گیری ملاحا بسیار گفته شده و تئوریهای متمایل به واقعیت و نیز فانتزی، فراوان ارائه گردیده است. اما مسئله اساسی در تحلیل رژیم - اگر با هدف تدقیق گذشته، تبیین اکنون و ترسیم آینده صورت پذیرد - توجه مشخص تر به شرایط اجتماعی و چارچوبهای تاریخی به قدرت رسیدن آن است، به این معنا که باید پرسید کدام مجموعه شرایط عینی و چه الزامات واقعی به تشکیل حکومت دینی در ایران راه می برد و جوهره اصلی تحولات و کشاکشهای اجتماعی با چه عناصر تعیین کننده ای آمیخته گردیده است. صورت مسئله را می توان از این هم ساده تر طرح نمود. آیا این رژیم (با شمه ای از ماهیت و نمودهای آن که بعدا به آن اشاره خواهد شد) همان مدل و نوع حکومتی است که مردم با سرنگونی رژیم شاه جستجو می کردند؟ اگر پاسخ منفی است، این واقعیت در نگرش عمومی ما نسبت به طرح جانشین، ذهنیت اجتماعی و مقدرات جامعه و دولت چه بازتابی دارد، کدام تاثیر مادی را به جای می گذارد؟ اجازه دهید ابتدا به بخش نخست پرسش بالا بپردازیم و ببینیم گرایش به تشکیل دولت دینی در ایران بر پایه کدام سنت مبارزاتی و در امتداد چه پیشینه تاریخی شکل گرفته است.

تدقیق گذشته

قیام ۵۷ نقطه اوج و لحظه تاریخی تعیین کننده خیزشی بود که از چندین دهه پیشتر و همگام با ریشه دوانیدن نخستین بذرهای تمدن معاصر، شکل گرفته بود. ابتدا جنبش مشروطیت ملهم از افکار ترقی خواهانه قشر نوین روشنفکر و متجدد، وظایفی هم چون محدود نمودن قدرت مطلقه سلطنتی، گشودن فضای دخالت صاحب نظران در امور حکومتی، تنظیم روابط اجتماعی - اقتصادی براساس قوانین و حقوق مدون، پارلماناریسم و تثبیت ساختاری لایه هدایت کننده اقتصاد را فرا روی خود قرار داده بود.

بقیه در در صفحه ۲

فدایی خلق احمد باختری اعدام شد

جنایتکاران حاکم بر ایران، رزمنده فدایی خلق احمد باختری و دو زندانی سیاسی دیگر را در سحرگاه دوم تیرماه ۷۵ پس از سالها شکنجه و اسارت به جوخه اعدام سپردند.

فدایی شهید احمد باختری از فعالین سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ۷ سال قبل به جهت فعالیت سیاسی علیه رژیم دستگیر و سالها تحت شکنجه قرار داشت. سال گذشته هنگامی که رژیم، اعدام وی را صادر کرد، تلاش گسترده ای از سوی سازمانهای بین المللی و محافل مدافع حقوق بشر برای نجات وی آغاز گردید. اما رژیم ضد بشری حاکم بر ایران، با درنده خویی تمام او را تیرباران نمود.

مزدوران جنایتکار رژیم پس از اعدام این رفیق رزمنده، به خانواده او هشدار داده اند که از هر گونه مراسم برای فرزندشان خودداری کنند.

رژیم جمهوری اسلامی که در گرداب بحرانهای اقتصادی، سیاسی دست و پا می زند با توسل به این اقدامات، و ایجاد هراس و وحشت در بین مردم و فعالین سیاسی، تلاش می کند تا سرنگونی اش را به تاخیر اندازد. اعدام این فدایی شهید علاوه بر این که می تواند زمینه ساز اقدامهای دیگر باشد، یک بار دیگر ماهیت ارتجاعی و سرکوبگر رژیم را به اثبات می رساند و خط بطلانی بر فرضیه های سازشکارانه و امکان تحول و مثبت بودن دیالوگ انتقادی می کشد.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ضمن محکوم نمودن این اقدام جنایتکارانه رژیم آخوندی و گرامیداشت خاطره فدایی شهید احمد باختری، شهادت وی را به همه مبارزان و رزمندگان راه آزادی ایران و خانواده این رفیق شهید تسلیت می گوید.

پس از ۸ سال رژیم ایران در لیست سیاه سازمان جهانی کار قرار گرفت

در صفحه ۳

دیدگاهها -

- تبعیض مثبت

- قوانین ازدواج و تعدد زوجات در ادیان مختلف

در صفحه ۹

پناهندگان -

- گردهمایی در ونکوور کانادا در حمایت از پناهجویان ایرانی در ترکیه، هلند، سوئد، کانادا و ژاپن

- درگذشت یک پناهجوی ایرانی

در صفحه ۱۲

بزرگترین اجتماع ایرانیان در خارج از کشور در سالروز ۳۰ خرداد گردهمایی "زنان، صدای سرکوب شدگان" با شکوه تمام برگزار شد

مریم رجوی، در این گردهمایی برای "جبهه متحد ضد بنیادگرایی" فراخوان داد.

روز اول تیرماه ۱۳۷۵، بزرگترین گردهمایی ایرانیان در لندن به مناسبت گرامیداشت ۳۰ خرداد، نقطه عطف جنبش رهایی بخش مردم ایران برگزار شد. خبرگزاری رویتر در همین روز گزارش نمود که "رجوی، که توسط مقاومت ایران به عنوان رئیس جمهور برگزیده نامیده شده است، در یک گردهمایی و کنسرت در لندن که در برگیرنده حدود ۲۵ هزار نفر شرکت کننده بود، در دفاع از زنان و روشنفکران سرکوب شده، سخن گفت". خانم مریم رجوی در این سخنرانی زنان و مردان را به ایجاد "جبهه ضد بنیادگرایی" فرا خواند. وی در پایان سخنرانی خود، طی ۱۴ ماده، دیدگاههای خود را پیرامون برابری جنسی در ایران فردا، اعلام نمود. متن کامل سخنرانی خانم رجوی در هفته نامه ایران زمین، شماره ۱۰۱ چاپ شده است.

بقیه در صفحه ۳

توریزم جمهوری اسلامی در سمینار بین المللی در لندن محکوم شد

در صفحه ۳

خانم رجوی به پرزیدنت کلینتون و خانواده های قربانیان انفجار هواپیمای مسافربری تسلیت گفت

روز ۲۸/تیر/۷۵ در پیامی خطاب به آقای کلینتون، رئیس جمهور آمریکا، خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت ایران، تاثیر عمیق خود را به خاطر انفجار هواپیمای مسافربری TWA بر فراز اقیانوس اطلس ابراز داشت. خانم رجوی هم چنین عمیق ترین تسلیتهایش را به بازماندگان قربانیان این تراژدی تقدیم کرد.

فرهنگ و هنر -

ضرورت رعایت دموکراسی در حیطه نقد هنری

در صفحه ۶

عباس معروفی در آلمان پناهنده شد

در صفحه ۵

از پیشینه، گسست و پیوند

بقیه از صفحه ۱

بخش مترقی روحانیون، فعالانه از این خواستها به حمایت پرداخت و در پروسه شکل گیری و اعتلای جنبش دموکراتیک نقش مهمی ایفا نمود. رهبران مذهبی مانند آیت الله بهبهانی و آیت الله طباطبایی نه تنها از هدف مقدم مشروطه طلبان یعنی حکومت عرفی، پشتیبانی می کردند بلکه به طور جدی با طرفداران دولت شرعی و مشروع به مبارزه برخاستند. مقاومت طبقه حاکم و متحدین قشری اش در برابر این مطالبات اندک نبود. با کودتای محمدعلی شاه و دسایس شیخ فضل الله نخستین تهاجمات سازمان یافته علیه تجدد و نواندیشی، علیه استقلال، دموکراسی و عدالت شکل گرفت که محصول نهایی آن کودتایی دیگر و این بار توسط سید ضیاء و رضا خان بود.

جنبش ملی شدن نفت در امتداد نیاز تاریخی و ضرورت اجتماعی اهدافی قرار داشت که مشروطه خواهان بر درفش خویش انگاشته بودند. پایان بخشیدن به نفوذ و دخالت بیگانگان در امور داخلی کشور و سپردن زمام سرنوشت و گنجینه های انسانی و مادی آن به مردم، تعریف دوباره جایگاه سلطنت براساس قانون اساسی مشروطه، تامین آزادیهای مدنی و پایان بخشیدن به فساد و ناپرابری. در این دوره هیچ نشانی از تلاش برای آمیخته ساختن "حد و شرع" با اهداف ملی - دموکراتیک نهضت، از سوی سردمداران مذهبی به چشم نمی خورد. حتی مرتجع دودوزه بازی مانند کاشانی نیز تمام هنر سیاسی خود را برای نزدیک شدن و "از خود" کردن آماجهای جنبش به کار می گیرد. هنگامی که محمدرضا شاه با یاری مستقیم خارجی علیه دولت ملی و قانونی مصدق دست به کودتا زد در حقیقت مطالبات تا آن - زمان را نیز ناخواسته به یک مدار تعیین کننده ارتقا داد. پس از ۲۸ مرداد باور به فرم پذیری دستگاه سلطنت به تدریج رنگ باخت و آشکار گردید که پیش از هر اقدام برای تحول جدی در مناسبات سیاسی - اجتماعی می بایست با سد اصلی تاریخی، یعنی استبداد سیاسی و ساختن آن نهاد یا دقیقتر بگوییم بختک سلطنت موروثی تعیین تکلیف شود. این تجربه، نزدیک به سه دهه، مبارزه برای آماجهای دیرینه را شکل داده و آن را تحت تاثیر خود قرار داد که جنبش مسلحانه برجسته ترین مابه ازای عینی آن محسوب می شود.

باور به ضرورت سرنگونی رژیم شاه، ایده بنیادی بود که بر سطح آن کلیه مطالبات سرکوب شده، تمام خواستههای تاریخی و آمالهای عدالت جویانه و آزادی طلبانه مردم قرار گرفته بود. در ذهن مردم، شاه دیواری حائل میان آنها و آرزوهایشان بود، می بایست این دیوار درهم فرو می ریخت آن گاه می شد دستان را به روبرو امتداد داد و فاصله رویا و واقعیت را به اندک زمانی ناچیز برای همیشه برچید. زاغه ها، حلبی آبادها، روستاهای نیمه ویران و جنوب شهرها مکانهای مناسبی برای تجرید مفاهیم زنده، برای اسطوره سازی از زندگی "بی شاه" بودند و حتی قشر متوسط شهری نیز که از شرایط زندگی و معاش کیفی متفاوتی برخوردار بود با انبانی تهی از تجربه و ره توشه ای اندک برای گام برداشتن در مسیر تحقق امالش، به صحنه "شاه کشی" وارد شد.

خمینی وانمود کرد که توان غلبه بر مشکلات بی شمار مردم را دارد، شغای رنج و تحقیر سالیان در جیفه عبایش قرار گرفته، تنها کافی است "شاه برود" و او بیاید. زمانی دیگر، هنگامی که مردم خواهان لمس دگرگونی موعود شدند، به خشم آمده و

فریاد کشید: "ما برای نان و خریزه انقلاب نکرديم، ما برای اسلام انقلاب کردیم".

تبیین اکنون

جنبشهای مهم اجتماعی ایران معاصر (همان گونه که از شرح مختصر بالا می توان دریافت) از حیث مضمون تاریخی در چند نکته مشترکند:

۱- تمامی آنها در دوران اعتلاء خود، تبلور تضاد اصلی جامعه یعنی تضاد میان حقوق شهروندی، و بنیادهای مدنی دولت و حکومت با نظام خودمدار استبدادی (سلطنتی و فقهانی) بوده اند.

۲- بستر شکل گیری این جنبشها بر تضاد و سایش عینی و مادی حوزه های زندگی مردم با سیاستهای رسمی حکومتی قرار داشته است.

۳- رهبری جنبش نقش تعیین کننده ای در تعیین یا تغییر مسیر پروسه تحولات ایفا نموده است.

۴- هیچ ضرورت تاریخی یا نیاز اجتماعی غالبی که به خودی خود قادر به تبدیل ایده حکومت دینی به پرچم و پلاتفرم این جنبشها باشد، وجود نداشته است (جمهوری ملامها نیز چنین ناخواسته و ناقص الخلقه مبارزه علیه دیکتاتوری بود و نه ترجمان بلافصل یک نهضت احیاء مذهب).

با توجه به این فاکتورها و در یک بررسی اجمالی از نوع نظام کنونی، تضاد مجموعه دستگاه فکری و سیاسی آن با عوامل پایه ای اقتصاد و اجتماع، مقدرات تاریخی جامعه و عناصر شکل دهنده به آنها، آشکار می گردد.

رژیم حاکم بر ایران چه از نظر شکل و چه محتوی، نماد اشکار یک استبداد مذهبی است و این واقعیت را حتی با یک نگاه گذرا نیز می توان به خوبی مشاهده کرد. موقعیت افراد در سلسله مراتب اداری و حکومتی براساس جایگاه حوزه ای آنان تعیین می شود و ساختار دولت و نظام با قالب برداشتهای فقهی متناسب می گردد. خمینی مشروعبیت رهبری خود بر امت حزب الله را ابتدا با پست "تایب امام زمان" توضیح می داد و سپس به ۱۵ خرداد ۴۲ و سال ۵۷ رجوع می کرد. زیرا در حیطه سیاست نه سوابق مبارزاتی و نه برنامه های اجتماعی - اقتصادی او قادر به تامین اتوریت لازم برای رهبری اش نبودند. او دست به پرداخت دینی جامعه و دولت زد تا "اسلام عزیز" را به گفته مارکس به "وجدان واژگونه" اجتماع تبدیل کند، بر تضادهای آن جامه تقدس ببوشاند و از باورهای "شهر ممنوع" آزادی و عدالت با تابلوهای مذهبی پاسداری کند.

هم از این رو بود که فراندوم برگردار شده توسط او برای تعیین نظام آینده، تنها حق انتخاب میان جمهوری اسلامی و هیجستان را می داد و قانون اساسی همین "جمهوری" توسط مجمعی از ملایان (خبرگان) به نیابت از "رمة ی امت" تدوین گردید. در امتداد تعمیم مناسک طلبگی بود که مجلس شورای اسلامی تشکیل گردید و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و از این دست شکل گرفت.

مضمون مادی این درهم تنیدگی قدرت و مذهب، چیزی بهتر از روابط حاکم در عصر چیرگی کلیسا نمی توانست باشد، با این تفاوت مهم که تناقض مبادی و مبانی تفکر مسیحیت در قرون وسطی با جهان پیرامون خود بسی کمتر از تاجر اسقاط شده ملامها با تمدن قرن بیستم بود. به همین دلیل نیز میزان و دایره کاربرد خشونت توسط ایثار به منظور جاری ساختن احکام "شرع و دین"، از آن حدی که قاضیان انگیزسیون حتی تصورش را هم نمی کردند بسی فراتر می رود. اعداهای دسته جمعی، سنگسار، قطع اعضای بدن، شکنجه، سلب امنیت، چماقداری، ضرب و جرح شهروندان عادی به دلایل

مسخره و... تنها نمونه هایی از ابزار رایج و روزانه رژیم برای "ارشاد" مردم است.

نمونه تاریخی تجاوز به حقوق ابتدایی و اساسی توده در رژیم ملامها را شاید بتوان در ترکیبی از غیر انسانی ترین و دمدمشانه ترین حکومتهای مستبد که تاکنون بشریت در این یا آن گوشه دنیا بدان مبتلا بوده، سراغ گرفت، آمیزه ای مسمتزنکننده از استبداد و جهل مذهبی. مخالفین با تعابیر مذهبی سرکوب می شوند (کافر، منافق، معاند، مفسد فی الارض). ستم جنسی با استناد به اخلاقیات ریاکارانه دینی توجیه می گردد، مفهوم آزادی و اختیار در چنگال ولایت و تقلید رنگ می یازد، فقر تقدیس و عدالت به ظهور "حضرت عج" احاله می شود. با کلید پلاستیکی بهشت در دست، نوابوگان این مرز و بوم به کام جهنم زمینی جنگ فرو می روند و سراخر همه چیز و به راستی همه چیز در خدمت تحقق افکار بیمار و جنون آمیزی قرار می گیرد که پشتوانه ای جز حدیث و روایات ندارد.

اما در عین حال نباید فراموش کرد که ملامها نیز مانند هر الیگارش دیگری در قدرت. برای حکومت بر اکثریت زیر دست به درجه ای از مشروعبیت نیاز دارند و آن را در عمومی ترین نقاط مشترک خود با آنها جستجو می کنند. مسلماً رژیم ایران نه در آغاز قدرت خود و نه اکنون نمی تواند ضرورت حکومت خود را با استناد به طرحها و اقداماتی که به نیازهای حیاتی مردم پاسخ می دهد و او در حال اجرا یا تدارک آن است، توجیه کند. پیشینه معین تاریخی آنها نیز از آن جایی که اغلب تیره و با چهره های بدنام شناسایی می شود. قادر نیست وحدت هویت بالا و پایین را تامین کند. ملامها به ناسیونالیسم ایرانی هم نمی توانند روی بیاورند زیرا جنبشهای ضد استعماری در ایران همواره در ستیز با نمایندگان سیاسی مستبد از یک سو و از سوی دیگر با قشریها بوده اند.

موقعیت خمینی در سلسله مراتب حوزه ای، این شانس را به او داد تا از جایگاه مذهبی خود برای مشروعبیت بخشیدن به حکومت استفاده کرده و نیروی اخلاقی دین را دستمایه تحکیم و استمرار استبداد سازد. زمانی که خمینی حفظ حکومت را حتی مقدم بر آئینهای پایه ای اسلام اعلام کرد، در حقیقت بر ابزار بودن دین برای ستم کردن قدرتش، مهر تأیید گذاشت. ولی همان گونه که شاهد بودیم این نیرنگ و استتار مانع از آن نشد که نیروهایی با جهان بینی اسلامی و گرایش اجتماعی دموکراتیک، علیه خودکامگی و بنیادگرایی به اعتراض و ستیز برنخیزند.

حضور سازمان مجاهدین در صف مقدم مبارزه با استبداد مذهبی، دو دستاورد مهم به ارمغان آورد. اولاً تهدید یکه تازی ملامها در پهنه درک و تفسیر دینی و مصادره میراثهای سنتی - تاریخی آن و از این طریق ایجاد قطب بندی و تقسیم جامعه به دو بخش مسلمان (حکومت) و غیر مسلمان (مخالفین) را از میان برد.

و ثانیاً به تشکیل ائتلافی از نمایندگان اقشار اجتماعی انجامید که از موضع الترناتیو وظیفه خود را برقراری حکومت عرفی و از جمله (برای نخستین بار) تحقق جدایی دین از دولت می دانند، خواست دموکراتیک و عاجلی که بی شک بدون پشتیبانی پیروان نه چندان کم شمار اسلام و نمایندگان آنان میسر، واقعی و مسئولانه نبود.

برنامه ائتلاف شورای ملی مقاومت، گواه دیگری بر صحت ارزیابیهای است که تضاد و کشاکش اصلی جامعه در رویارویی حقوق شهروندی، دموکراسی و عدالت اجتماعی با حکومت مطلقه، استبداد و ناپرابری می بیند. البته صرف نظر از این تضاد،

بقیه در صفحه ۸

پس از ۸ سال رژیم ایران در "لیست سیاه" سازمان جهانی کار قرار گرفت

در کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار، در پایان یک بررسی طولانی در مورد نقض تعهدات بین المللی رژیم ایران پیرامون حقوق کار، این رژیم بار دیگر در ردیف بدترین کشورهای ناقض کنوانسیونهای بین المللی مربوط به حقوق کارگران قرار گرفت. سازمان بین المللی کار (ILO) یکی از ارگانهای ملل متحد است که بررسی حقوق و شرایط کار در کشورهای مختلف را انجام می دهد. در این سازمان نمایندگان دولتها، کارفرمایان و کارگران از سراسر جهان شرکت دارند. در کشورهایی که دموکراسی و اتحادیه های مستقل کارگری وجود دارد، نمایندگان کارگران از طریق انتخابات برای شرکت در جلسات سالانه این سازمان انتخاب می شوند. در کشورهایی که دموکراسی و تشکلهای مستقل کارگری وجود ندارد، رژیم حاکم بر آن افرادی را به عنوان نمایندگان کارگران به این کنفرانس می فرستد. رژیم ایران از جمله این گونه کشورهاست. سازمان جهانی کار تاکنون ۱۷۶ کنوانسیون مربوط به حقوق کار تنظیم کرده است. رژیم شاه به ۱۱ فقره از این کنوانسیونها متعهد شده بود که پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، این رژیم نه فقط به هیچ کنوانسیونی جدیدی متعهد نشد، بلکه بارها کنوانسیونها امضا شده توسط رژیم قبلی را هم زیر پا گذاشت. از ۱۱ کنوانسیونی که ایران به آن متعهد شده، کنوانسیون شماره ۱۱۱ از همه مهمتر است. این کنوانسیون هرگونه تبعیض و منجمله تبعیض جنسی، مذهبی، سیاسی را در زمینه کار نفی می کند. رژیم آخوندی به طور آشکار تبعیض جنسی و مذهبی را در حقوق کار پیش می برد. امسال نمایندگان مقاومت ایران و بعضی نهادهای بین المللی دیگر، سیاستهای تبعیض آمیز رژیم آخوندی را در جریان کنفرانس سازمان جهانی کار برای شرکت کنندگان در این کنفرانس تشریح نمودند.

سرانجام روز ۲۷ خرداد ماه، کنفرانس سازمان جهانی کار با تصویب یک دستور کار در مورد رژیم ایران، این رژیم را در "لیست سیاه" نقض کنندگان حقوق کار قرار داد و خواستار رسیدگی و نظارت کامل سازمان جهانی کار بر شرایط کار در ایران شد. نماینده رژیم ایران فقط همکاری با سازمان جهانی کار را پذیرفت و از قبول عزمیت هیئتی به ایران به منظور رسیدگی به وضعیت کارگران و مزدبگیران رسماً خودداری کرد. آقای کاظم سمندری، یکی از مسئولان دفتر بین المللی بهائیان در پاریس، روز جمعه ۱۵ تیر ۷۵ به گزارشگر بخش فارسی رادیو بین المللی فرانسه در این مورد می گوید: "تمام بهائیان از کارهای دولتی برکنار شده اند و این مطلب شامل تمام اساتید دانشگاه، پزشکان و غیره هم شده است. از طرف دیگر هر شغلی و فعالیتی که احتیاج به یک اجازه و یا پروانه و غیره داشته باشد، درش بر روی تمام بهائیان بسته شده."

آقای کاظم سمندری در این مصاحبه اعلام می کند که برای رفع تبعیض مذهبی در مورد بهائیان لازم است که "یک بخشنامه ای که چهار سال و شاید نزدیک به پنج سال قبل در مورد ریشه کن کردن جامعه بهایی و بهائیان چه در ایران و چه در خارج از ایران، از جانب بالاترین مقامات و مسئولین جمهوری اسلامی صادر شده، رسماً لغو و باطل بشود و این مطلب به اطلاع جمیع مقامات و مردم رسونده بشود." تردیدی نیست که رژیم ولایت فقیه نمی تواند موارد متعدد تبعیض جنسی و مذهبی که در زمینه حقوق کار در ایران وجود دارد را لغو کند و تنها با سرنگونی این رژیم تبعیض جنسی، مذهبی، ملی و مرای در زمینه حقوق کار لغو خواهد شد. □

بزرگترین اجتماع ایرانیان در خارج از کشور در سالروز ۳۰ خرداد گردهمایی "زنان، صدای سرکوب شدگان" با شکوه تمام برگزار شد

بقیه از صفحه ۱

در این برنامه تعدادی از شخصیتهای سیاسی و اجتماعی از نقاط مختلف جهان سخنرانی نمودند و تعدادی از هنرمندان از آمریکا، آسیا و آفریقا به اجرای برنامه هنری پرداختند. در پایان این برنامه خانم مرضیه، بانوی آواز ایران اپرت (شعر نمایشی) "مثل جنگل، مثل مهتاب و مثل طلوع" را با زیبایی هر چه تمامتر اجرا نمود. سراینده این قطعه نمایشی آقای محمدعلی اصفهانی و تنظیم کننده آهنگ و رهبری ارکستر آن را آقای محمد شمس به عهده داشت. برنامه "زنان، صدای سرکوب شدگان" تاکنون در صدها رسانه گروهی کشورهای مختلف جهان انعکاس یافته و همان روز به وسیله ماهواره برای اروپا، آمریکا و خاورمیانه پخش شد. آقای مسعود رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت ایران، روز بعد در گردهمایی بزرگ زمیندگان ارتش آزادیبخش ملی ایران ضمن قدردانی از هموطنانمان که با عزم جزم خود، توطئه های رژیم برای ممانعت از برگزاری این مراسم بزرگ را خنثی نمودند، اساسی ترین دیدگاههای مقاومت ایران را طی ۱۰ ماده اعلام نمود. آقای رجوی در بخشی از سخنان خود اعلام نمود که "اگر آخوندهای حاکم بر ایران و همدستانشان و همه آنهايي که به این رژیم نامشروع چشم دوخته اند، می توانند بخت رژیم را در برابر مقاومت ایران در یک انتخابات آزاد برای ریاست جمهوری، براساس اصل حاکمیت ملی (و نه ولایت فقیه) یا در انتخابات مؤسسان، با تضمینهای کافی و تحت نظر ملل متحد، به آزمایش بگذارند." آقای رجوی اضافه نمود که "اما حاکمیت نامشروع آخوندی هرگز به انتخابات و انتخاب آزادانه مردم ایران تن نداده و نخواهد داد." هم زمان با اجرای برنامه "زنان، صدای سرکوب شدگان" هزاران ایرانی در نقاط مختلف جهان، در گردهماهیهای مختلف، سالگرد ۳۰ خرداد را گرامی داشته و به مشاهده برنامه لندن، از طریق ماهواره پرداختند.

ترویسیم جمهوری اسلامی در سمینار بین المللی در لندن محکوم شد

در این سمینار بین المللی در لندن خانم مریم رجوی، آقای لردایویری، ۳۰ نفر از نمایندگان مجلس عوام و اعیان انگلستان، ۱۰ سازمان مدافع حقوق بشر، ۲۴ کارشناس سیاسی و استراتژیک و دهها رسانه خبری حضور داشتند.

روز چهارشنبه ۶ تیر امسال، سمینار بین المللی نمایندگان مجلس انگلستان پیرامون ترویسیم رژیم ایران، در ساختمان جرج هاوس لندن برگزار شد. این سمینار به دعوت لردایویری، رئیس گروه بریتانیای ایران - آزادی و رئیس گروه حقوق بشر پارلمان انگلستان تشکیل شد. لردایویری، رئیس این سمینار در ابتدا ضمن خوشامدگویی به حاضران گفت "بسیاری از کشورها موافقت کرده با نطفه ترویسیم، باید با حداکثر قدرت برخورد کرد." سپس سخنرانان این سمینار یکی پس از دیگری به ایراد سخنرانی پرداختند. آقای اشپاتس، رئیس مجلس لوکزامبورگ، آقای تاپد، نماینده پارلمان آلمان و عضو کمیسیون خارجی مجلس، آقای کارل گوران بیوشاک، نماینده پارلمان و عضو کمیسیون امور خاورمیانه و مشاور دانیل پایپس متخصص امور خاورمیانه و مشاور رابرت دول کاندیدای ریاست جمهوری آمریکا، آنتونی کومیز، نماینده مجلس انگلیس از حزب محافظه کار و معاون گروه حقوق بشر پارلمان انگلستان، خانم مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت، آقای هدایت متین دفتری مسئول کمیسیون قضایی و حقوق بشر شورای ملی مقاومت، خانم شهره بدیمی همسر شهید حسین نوری دهکردی، آقای کمال رجوی فرزند ارشد شهید بزرگ حقوق بشر، دکتر کاظم رجوی، آقای احمد ابراهیمی مسئول امور بین المللی انجمن قلم ایران و تعدادی دیگر از شخصیتهای سیاسی و اجتماعی سخنرانی نمودند. در این سمینار شماری از خانواده های قربانیان ترویسیم رژیم ایران و منجمله خانم فرینیا مورونی نقدی همسر شهید حسین نقدی، خانم جمیله اسلامی همسر شهید اکبر قربانی، مادر و خواهر شهید زهرا رجوی شرکت داشتند. خیر برگزاری این سمینار توسط دهها رسانه گروهی و منجمله رادیوهای فارسی زبان آمریکا، بی بی سی، فرانسه، سوئد، آلمان و... پخش شد.

عفو بین الملل از سکوت جامعه بین الملل شکایت می کند

براساس گزارش سالانه عفو بین الملل، در ۱۴۶ کشور نقض حقوق بشر وجود دارد. خیرگزاری فرانسه روز ۲۹/خرداد/۷۵ گزارش نمود که در ۶۳ کشور هزاران مورد اعدامهای بدون محاکمه از جمله در بحرین، بروندی، کلمبیا، هندوستان، روسیه و رواندا صورت گرفته است. در ۴۹ کشور از جمله در بروندی، رواندا، کلمبیا، عراق، سری لانکا، ترکیه بیش از ۱۴۰ هزار ناپدید شده گزارش شده است. در ۱۴۹ کشور از جمله در اندونزی، تیمور شرقی، ایران، مکزیک، حداقل ده هزار نفر مورد شکنجه گزارش شده است. در ۵۴ کشور بیش از ۴۵۰۰ زندانی زیر شکنجه جان خود را از دست داده اند. به ویژه در مصر، کنیا، برمه و ترکیه این گزارش می گوید شکنجه، اسارت غیر مجاز، تجاوز، اعدامهای گسترده و نقض حقوق بشر طی سال گذشته به شدت سال ۱۹۹۵ ادامه داشته

است. عفو بین الملل گفت براساس گزارشهای موثق دریافتی، طی سال گذشته ۴۵۰۰ زندانی زیر شکنجه جان خود را از دست داده، ۱۴۰ هزار ناپدید و ۲۹۰۰ تن اعدام گشته اند.

بیش از ۱۰ هزار نفر زندانیان، قربانی شکنجه از جمله تجاوز، در ۱۴ کشور از جمله اندونزی، ایران، مکزیک، جمهوری فدرال یوگسلاوی هستند.

عفو بین الملل برخورد منفعلانه جامعه بین الملل را نیز افشا نموده و نوشت: "بسیاری دولتها هیچ کاری نمی کنند که مانع از نقض شدید حقوق بشر توسط دیگر دولتها نشوند و ترجیح می دهند برای تأمین منافع اقتصادی خود، چشمانشان را روی فجایع ببندند." پیرسانه، دبیرکل سازمان عفو بین الملل گفت: "مسئولان نقض حقوق بشر تنها کسانی نیستند که روی ماشه تفنگ فشار داده و شک برقی می دهند. کسانی که به آنها تسلیحات داده و آموزش استفاده از آن را می دهند نیز با آنان سهیم هستند.

اخبار زنان

سنگسار یک زن در ارومیه

بد حجابی

به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی وزیر کشور از زنها خواسته حجاب را در خیابانها رعایت کنند و به تولید کنندگان و فروشندگان لباسهایی که مبتذل شناخته شوند، هشدار داده که مانند قاچاقچی با آنان رفتار خواهد شد. جمهوری اسلامی خبر داده که یک عده از فرزندان شهیدان که از ابرقو به تهران آمده بودند، از حضور زنان و دختران بدحجاب در پارکهای تهران متعجب شده و گفتند در اولین سفرمان به تهران به هیچ وجه تصور نمی کردیم با چنین صحنه هایی مواجه شویم.

رادیو بی بی سی ۱۸/تیر/۷۵

زنان جرأت کرده اند که پایگاه مردان را به مبارزه بطلبند

جامعه مسلمانان تحت تسلط مردان و قوانین مردان است. ولی در بعضی از جوامع اسلامی انقلاب کوچکی روی داده است. زنان جرأت کرده اند که پایگاه مردان را به مبارزه بطلبند و در بعضی از جاها موفقیتهای قویتری به دست آورده اند. زنان مسلمان در جامعه ای با قوانین سخت، در مورد خانواده، ازدواج، تحصیلات و ارث زندگی کرده اند... این شامل رئیس جمهور پاکستان بی نظیر بوتو، رهبر جنبش مقاومت ایران مریم رجوی و تسلیمه نسرین نویسنده میشود. تعدادی از زنان میگویند که روزی یک نمونه است.

روزنامه نولاندس پستن ۲۲/تیر/۷۵

روزی ۱۶۰۰ قربانی زن

برگزاری رویتزر روز ۲۲/تیر/۷۵ اعلام کرد: تحقیقات اخیر نشان می دهد که بارداری یکی از دلایل عمده مرگ و میر زنان در کشورهای توسعه نیافته است و روزانه حدود ۱۶۰۰ قربانی می گیرد. این تحقیقات که توسط بنیاد کودکان سازمان ملل متحد، یونیسف، مشترکا با دانشگاه آمریکایی "جان هاپکینز" صورت گرفته است، نشان می دهد که سالانه نزدیک به ۵۸۵ هزار زن در کشورهای توسعه نیافته جان خود را به علت مشکلات ناشی از بارداری یا زایمان از دست می دهند. این آمار نسبت به آمار قبلی، بیست درصد افزایش را نشان می دهد. این تحقیق بخشی از گزارش سالانه سازمان یونیسف در باره وضعیت سلامت جهانی به نام "ترقی ملتها است."

رعایت حق تساوی زن و مرد

۵۲ در صد جمعیت فرانسه را زنان تشکیل می دهند که در این میان از ۵۷۷ نماینده مجلس ۳۲ نفر زن هستند. از ۳۰۳ سناتور ۱۸ نفر زن و از ۹۳ رئیس شورای عمومی ۱ نفر زن و از ۳۳۹۴ شهردار ۲۸۲۴ نفر زن هستند. سگولن رویال نماینده مجلس از حزب سوسیالیست در نامه سرگشاده ای که برای مردان سیاسی و پرزیدنت مجلس ملی فرستاده گزارش جالبی در مورد نتیجه تحقیقی که در بین کودکان مدرسه یی ۱۱-۹ ساله شهرها، دهکده ها، محلات خوب و بد انجام داده است. این کودکان در پاسخ به این که بایستی نماینده برای خود در مجلس انتخاب می کردند، به طور خودجوش تساوی را رعایت کرده و ۳۰۵ دختر را به پارلمان فرستادند!

هفته نامه اکسپرس ۲۲/تیر/۷۵

به حکم دادگاه، یک زن و مرد به اتهام قتل و زنی محصنه در حضور مردم سنگسار شدند. شهین سلطان مرادی، فرزند سیروس، در آذرماه سال ۷۳ با همدستی فرد دیگری به نام محمدعلی همتی، شوهر خود را به قتل رساند و جسد وی را پس از آتش زدن در یکی از باغهای ارومیه دفن کرد. مجله زنان تیر/۷۵ شماره ۲۹

موقعیت زنان در ارتش آلمان

یک مقام برجسته دولت هلموت کهل خواستار نقش بیشتر زنان در ارتش آلمان شد. حزب دموکراتهای آزاد که یکی از مؤلفین دولت هلموت کهل است، خواستار اجازه دادن به داوطلبان زن در تمامی بخشهای ارتش. از جمله واحدهای نظامی شد. دبیر کل حزب دموکراتهای آزاد در تلویزیون آلمان اظهار داشت، من فرقی بین یک مرد و یک زن برای راندن یک تانک نمی بینم. زنان سرباز آلمانی صرفا به خدمات درمانی در واحدهای نظامی محدود شده اند. وزیر دفاع آلمان در یک مصاحبه مطبوعاتی با یک روزنامه آلمانی اظهار داشت که دادن اجازه به زنان برای شرکت در واحدهای نظامی مردود می باشد. او گفت اما به زودی این را برای سربازان زن ممکن خواهد ساخت تا بتوانند در بخش حفاظت زنان سرباز بتوانند در بخشهایی نظیر لجستیک و مخابرات خدمت کنند. البته او افزود که برای پیشبرد این امر احتیاج به اصلاحیه قانون اساسی داریم. رئیس انجمن نظامی آلمان در یک مصاحبه رادیویی عنوان کرد که با توجه به کمبود پرسنل در ارتش، او موافق شرکت دادن زنان در سایر بخشهای ارتش است. در این میان یکی از رهبران اپوزیسیون سوسیال دموکرات این گونه نظیرات را خشنده دار خوانده و به کارگیری زنان را صرفا تلاشی برای پر کردن موقتی حفره ها در ارتش نامید.

آسوشیتدپرس ۱۷/تیر/۷۵

سنگسار در قندهار

یک زن و مرد جوان دیروز به جرم روابط نامشروع در شهر قندهار پس از صدور حکم دادگاه شرع در ایستگاه شهر قندهار، مرکز جنبش طالبان، سنگسار شدند. این زن و مرد که بین ۲۵ تا ۳۰ سال داشتند، ماه پیش دستگیر گردیده بودند. آنها در حضور صدها تن زیر سنگباران جان سپردند.

رادیو فرانسه ۲۲/تیر/۷۵

حمل پرچم توسط تنها زن ورزشکار ایران در آتلانتا

به نوشته مطبوعات ایران، تنها زن ورزشکار ایرانی شرکت کننده در المپیک آتلانتا، قرار است پرچم این کشور را در مراسم گشایش المپیک حمل کند. لیدا فریمان، متخصص تیراندازی با تفنگ در کارابین، تنها زنی خواهد بود که در میان هیأت ۲۱ نفره ورزش ایران در آتلانتا حضور پیدا می کند. وی هم چنین اولین زنی است که از هنگام انقلاب اسلامی ایران در المپیک شرکت می کند. به خاطر رعایت شئون اسلامی - چادر سیاه یا روسری و مانتو - زنان ایران تنها می توانند در رشته های اسب سواری، اسکی، تیراندازی، شطرنج و برای شرکت در ورزشهای معلولین حضور یابند.

خبرگزاری فرانسه ۲۰/تیر/۷۵

یک پیروزی برای زنان

لیلا

سرانجام روز پنجشنبه ۱۴ ژوئن دولت آمریکا با دادن اجازه اقامت به فائزه کازینا یک زن آفریقایی موافقت کرد. فائزه زنی ۱۹ ساله از قبیله ای در شمال توگو است. پدر او وقتی که ۱۵ ساله بود می میرد و عموی او دو سال بعد او را مجبور می کند تا با یک مرد ۴۵ ساله که دارای سه زن دیگر نیز بوده ازدواج کند. فائزه مانند بسیاری از دختران قبایل آفریقایی و بعضی از کشورهای خاورمیانه تحت عمل وحشیانه و غیر انسانی ختنه دختران قرار می گیرد. او از وحشت می گریزد. نخست به آلمان و سپس در سال ۱۹۹۴ آمریکا می آید و تقاضای پناهندگی می کند. تقاضای او در ابتدا رد و او زندان می افتد.

در چندین ماه اخیر بحثهای بسیاری در مورد مشکل فائزه و اصولا حق پناهندگی دادن به این گونه زنان در جامعه در بین مقامات دولتی و نیز فعالین جنبش زنان در آمریکا جریان پیدا کرد. وحشت مقامات قضایی آمریکا از این بود که با تصویب چنین حقی سیلی از زنان از کشورهای مختلف به آمریکا وارد شوند. اما بحثها و جنجالهایی که این موضوع در جامعه آمریکا ایجاد کرد و نیز فعالیت و کلا و زنان فعال در این جریان بالاخره قانون حق پناهندگی به این گونه زنان تصویب شد. این یک پیروزی بزرگ برای همه زنان جهان به حساب آمد و خانم پاتریسا شریدر نماینده حزب دموکرات در کنگره آمریکا آن را "روز خوبی برای زنان جهان" اعلام کرد.

آزادی یک دختر آفریقایی از زندان فرانسه

ژاک شیراک، رئیس جمهور فرانسه یک زن ۳۲ ساله از کشور ساحل عاج در آفریقا را که از سال ۱۹۹۰ در زندانهای فرانسه به سر می برد را عفو کرد. ورونیک آکوبه به جرم قتل پسر کارفرما و زخمی کردن شدید خود کارفرما به ۲۰ سال زندان محکوم شده بود. او کارفرما و پسر وی را متهم به تجاوز جنسی نموده بود. چهل نماینده زن مجلس فرانسه از احزاب چپ و راست طی نامه ای به ژاک شیراک تقاضای آزادی ورونیک را کرده بودند. هم چنین یک طومار با حدود ۴۰ هزار امضا توسط انجمن اروپایی مبارزه با خشونت علیه زنان در محیط کار، به رئیس جمهور فرانسه برای عفو این زن جوان آفریقایی تسلیم شده بود.

خبرگزاری فرانسه ۱۳/تیر/۷۵

پیام یک زن رزمنده کرد

زن رزمنده کردی در یک عملیات انتحاری علیه نیروهای ترکیه شرکت جسته بود، طی یک پیام ویدیویی که توسط یک خبرنگاری کردی منتشر شد، از مردم جهان خواست جلو قتل عام مردم کردستان در ترکیه را بگیرند. زینب کینالی، ۲۴ ساله، در این پیام که نسخه یی از آن به دست رویتزر رسیده، گفته است که: "من افکار عمومی جهان را مخاطب قرار می دهم و فریاد می زنم که چشمانتان را باز کنید." کینالی، فارغ التحصیل دانشگاه و از اعضای حزب کارگران کردستان بود که برای استقلال کردستان ترکیه مبارزه می کند.

خبرگزاری فرانسه ۱۲/تیر/۷۵

اخبار فرهنگی و هنری -

عباس معروفی در آلمان پناهنده شد

عباس معروفی نویسنده، روزنامه نگار و مدیر مسئول مجله گردون که مدتی قبل به آلمان آمد، روز ۲۰ تیر امسال در مصاحبه با رادیو بین المللی فرانسه اعلام کرد که دیگر به ایران باز نخواهد گشت. او می گوید: "در تمام این چند سال یک سیاستی در کار بوده و آن حذف فیزیکی و حذف همه جانبه گروههای سیاسی بوده. احزاب سیاسی در ایران فعالیت نمی کنند. و در انتهای برنامه می بینیم که رژیم جمهوری اسلامی تصمیم می گیرد انسانهای تمیز جامعه را حذف بکند، یعنی نویسندگان و شاعران که نه اصلاً داعیه بر حکومت دارند و نه اصلاً تلاش می کنند برای قدرت".

مجله "سینمای آزاد" شماره ۲

شماره دوم مجله سینمای آزاد را دریافت کردیم. این مجله به همت بصیر نصیبی و از طرف مرکز پژوهشی و فیلمسازی سینمای آزاد منتشر می شود. در این شماره مطالبی از فرهاد مجدآبادی، عفت داداش پور، عباس سماکار، مسعود سدنی، علی امینی، رامین یزدانی به همراه اخبار و گزارشاتی پیرامون سینمای ایران چاپ شده است.

درگذشت غلامحسین نقشبینه

غلامحسین نقشبینه، هنرمند برجسته کشورمان، روز ۲۰ خرداد امسال در سن ۸۸ سالگی در تهران درگذشت. نقشبینه سالها در عرصه سینما و تئاتر فعال بود و بازی ماهرانه او در دو سریال "دایی جان ناپلئون" فراموش نشدنی است. یادش گرامی باد.

درگذشت خواننده مشهور آمریکایی

خبرگزاری فرانسه روز ۲۷/ خرداد اعلام کرد که الا فیتزجرالد "بانوی بزرگ آواز آمریکا" روز گذشته در سن ۷۸ سالگی در منزلش درگذشت. این خواننده سیاهپوست آمریکایی طی عمر پرآر هنریش، بیش از ۲۵۰ آلبوم تولید کرده و یکی از معروفترین آوازخوانان جاز محسوب می شد. بیبل کلینتون، رئیس جمهور آمریکا و بسیاری از شخصیتهای اروپایی فوت این هنرمند استثنایی را که در سن ۷۸ سالگی هنوز از صدای دلنشینی برخوردار بود، یک ضایعه بزرگ توصیف کردند.

محکومیت سردبیر پیام دانشجو

رسانه های ایران گزارش کردند دستگاه قضایی ایران روز دوشنبه حشمت الله طبرزدی، سردبیر روزنامه پیام دانشجو، را به مدت پنج سال از انتشار هفته نامه خود یا هر نشریه دیگر منع نمود. در پایان سومین جلسه دادگاه، طبرزدی به "انتشار مقاله های کذب و افتراء آمیز نسبت به مسئولان و ارگانهای دولتی مجرم شناخته شد". مطبوعات افزودند که طبرزدی هم چنین به زندان محکوم شد، ولی با توجه به این که در جبهه های جنگ حضور یافته بود و جزء خانواده های شهدا است، مجازات او به پرداخت یک میلیون ریال تبدیل شد.

خبرگزاری فرانسه ۱۲/تیر/۷۵

اخبار گوشه و کنار جهان -

زندگی زیر خط فقر

رادیو اسرائیل ۳۱/خرداد/۷۵: "در حالی که متوسط حقوق در ایران هنوز حدود ۲۰ - ۲۵ هزار تومان است، قائم مقام وزارت بازرگانی تصریح کرد، هر کس در تهران زندگی کند و کمترین از ۶۸۰۰۰ تومان درآمد داشته یا در شهرستان به سر برد و کمتر از ۴۵ هزار تومان درآمد داشته و یا روستایی کمترین از ۳۷ هزار تومان درآمد ماهیانه داشته باشد، زیر خط فقر محسوب میشود".

درگذشت پاپاندر

یآندرئاس پاپاندر او، اولین نخست وزیر سوسیالیست یونان که مواضع ضد آمریکایی و اصلاحات اقتصادی، او را به چهره با نفوذ دهه هشتاد در یونان تبدیل ساخته بود، روز ۴/ تیر امسال در سن ۷۷ سالگی چشم از جهان فرو بست.

راه پیمایی اعتراضی کارگران در آستانه برگزاری اجلاس هفت کشور

در لیون هزاران نفر از کارگران و بازنشستگان فرانسوی با در دست داشتن مشعلهای قرمز و آواز خوانان به راه پیمایی اعتراضی در آستانه برگزاری اجلاس هفت کشور بزرگ صنعتی پرداختند. نزدیک به ۲۵ هزار نفر از سراسر فرانسه برای اعتراض به رشد میزان بیکاری که به ۱۲ درصد رسیده است، خود را به لیون رسانند. آسوشیتدپرس ۶/تیر/۷۵

تظاهرات دویست هزار نفری در آلمان

بیش از ۲۰۰ هزار نفر روز ۷ تیر در سراسر آلمان علیه اصلاحات اقتصادی دولت هلموت کهسل تظاهرات کردند. این تظاهرات کارگری یک روز قبل از رای گیری راجع به یک لایحه در مجلس آلمان جهت قانونی کردن اصلاحات اقتصادی دولت صورت گرفت.

اعدام به مناسبت روز جهانی مبارزه با مواد مخدر

در چین به مناسبت روز جهانی مبارزه با مواد مخدر دیروز ۲۳۱ قاچاقچی در نقاط مختلف این کشور اعدام شدند. روزنامه های چین هر روز فهرستی از قاچاقچیان اعدام شده منتشر می کنند. به گزارش سازمان عفو بین الملل در دو ماه و نیم گذشته دست کم ۶۵۰ قاچاقچی در این کشور اعدام شده اند.

رادیو فرانسه ۷/تیر/۷۵

انفجار در تاسیسات نیروی هوایی آمریکادر عربستان

سخنگوی نیروی هوایی آمریکا اعلام کرد یک تانکر بمبگذاری شده در قسمت اسکان تاسیسات

نیروی هوایی آمریکا در طهران واقع در عربستان سعودی منفجر شد. گلین دویس، یک سخنگوی وزارت خارجه آمریکا گفت یک تانکر سوخت در گوشه شمال شرقی مقر آمریکایی قرار داده شده و راننده آن پا به فرار گذاشته است. انفجار این تانکر موجب خسارات به تعدادی از ساختمانهای اسکان شده است و از طرف آمریکائیان تلفاتی به بار آورده است. نیکولاس برنز، سخنگوی وزارت امور خارجه که در بیت المقدس به سر می برد گفت: "این بدون تردید یک جنایت وحشتناک است".

آسوشیتدپرس ۵/تیر/۷۵

سوئد اولین کشور در توزیع ثروت

بر طبق گزارشی که اخیراً منتشر شده، سوئد از حیث توزیع ثروت و درآمد میان گروههای مختلف اجتماعی در مقایسه با دیگر کشورهای صنعتی جهان رتبه اول را دارد. بنابر این گزارش توزیع درآمدها در سوئد از اواخر دهه ۷۰ به این سو تقریباً ثابت بوده است. در سوئد میزان مزدبگیرانی که دارای درآمدهای پایین هستند حدود ۶ درصد می باشد. این در حالی است که در آمریکا ۲۵ درصد دارای درآمدهای پایین هستند.

رادیو پژواک ۲۷/تیر/۷۵

در ستایش دیالکتیک

برتولت برشت (۱۹۳۴)

بی عدالتی، مطمئن و با گامهایی بلند به پیش

می رود.

اختناق برای ده هزار سال ماندگار می شود.

حکومت ستمگران مدعی است: اوضاع بر وفق مراد

است.

صدایی علیه حکمروایان به گوش نمی رسد

و استثمار بانگ می زند که: این تازه آغاز راه است.

و افسوس که بسیاری از ستم دیدگان می گویند:

ما را هرگز به آرمانهامان راهی نیست.

هان! مگوی هرگز! مادام که زنده ای.

قطعیت را یقین نیست.

فعلیت اوضاع را جاودانگی نیست.

بعد از ستمگران،

گاه سخن گفتن از آن ستمدیدگان است.

چه کسی را یاری آن است که بگوید هرگز؟

ستم بر چه کسانی استوار است؟ بر ما.

کیان برخواهد شد افکند؟ باز هم ما.

ای آن که زیر پا لگدمال گشته ای، برخیز!

ای آن که محکوم سرنوشت خویش می باشی، مبارزه

کن!

خلق آگاه را چه کسی توان آن دارد که از حرکت

بایستاند؟

آری! قربانیان امروز، پیروزمندان فردایند،

و "هرگز" به امروز بدل خواهد شد!

برگردان به فارسی از: علیرضا - حمید

ضرورت رعایت دموکراسی در حیطه نقد هنری

— محمدرضا حمیدی

هیچ گاه عذرخواهی وی را نپذیرفتند. نکته جالب در این است که هنوز بعد از گذشت بیش از ۵۰ سال، دو فیلم ساخته شده توسط خانم دیفنشال علیرغم محتوی حمایت از هیتلر از جمله بهترین فیلمهای مستند تاریخ سینما طبقه بندی شده و در مهمترین دانشگاههای سینمایی به عنوان نمونه های کاربرد فنون فیلم سازی مورد استفاده دانشجویان قرار می گیرند.

بخش دوم به بحث سینمای قبل از انقلاب و تعیین جایگاه آن اختصاص دارد. بسیاری از منتقدان و تحلیل گران، فیلمهای قبل از انقلاب به جز تعدادی انگشت شمار را فاقد هر گونه خاصیتی و صرفاً برنامه پرکن سالنهای نمایش می دانند. تعیین جایگاه سینمای قبل از انقلاب، بدون تحلیل از بافت جامعه و مناسبات حاکم بر آن و در عین حال در نظر گرفتن فاکتور فرهنگ عامه مردم امری غیر اصولی جلوه می کند. به هر حال مجموعه تمامی فیلمهای ساخته شده منهای تعداد معدودی حکایت از وجود مخاطب در سالنهای نمایش داشته و در عین حال عدم استقبال همین مخاطبان از فیلمهای با محتوای متفاوت و هنری دارد. این واقعیت را نمی توان انکار کرد که عامه مردم فیلمهای قبل از انقلاب را که از ساختی سردستی برخوردار بود، می پسندیدند که عامل آن را نمی توان به طور خلاصه در این مقاله گنجانند زیرا ریشه در تضادهای حاکم بر جامعه و رشد آنها به ویژه بعد از سال ۴۲ و عدم حمایت از فیلمهای هنری توسط بخش دولتی داشت. اما محور اصلی بحث آقای قدرخواه و پیامد آن پاسخ آقای صبری پور در ایران زمین شماره ۱۰۳ نه ریشه یابی و علل رشد سینمای فیلم فارسی (اصطلاحی که معمولاً به کار برده می شود) بلکه نحوه برخورد با این فیلمها است. آقای قدرخواه به تخطئه آن پرداخته بدون این که جایگزینی برای آن تعیین نماید و در این مسیر به نفی حق انتخاب عامه مردم می پردازد. ساخت فیلم فارسیهای قبل از انقلاب عملاً در سال ۵۷ متوقف شد اما رژیمهای آنها چه چیزی به مردم حقه کرد. عملاً لیست سیاهی شامل تعداد زیادی فیلم ساز و عوامل فنی و هنریشه که حق هنری آنها برای همیشه سلب گردید و علاوه بر آن فیلم سازان معتبر و متعهد نیز در لیستهای سیاه مشابه قرار گرفتند. بحث اساسی این است که اگر پدیده هنری واجد خصوصیات مبتذل باشد می بایست با رعایت حق انتخاب مردم و رعایت دموکراسی با آن در چارچوب نقد هنری و با ساخت هنری متقابل اقدام نمود. نه این که نسبت به نفی و یا تخطئه آن بدون توجه به مخاطبانش اقدام کرد. مخالفت پرخاشگرانه با قالبهای ابتدایی تر، الزاماً دلیل هوشمندی نیست. به رسمیت شناختن تفاوت در فرهنگهای اقشار جامعه نه تنها ضرورتی در نقد و انتقاد که لازمه بهتر شدن شرایط سیاسی اجتماعی است. باید پذیرفت رشد تک تک ما تا حدی بازتاب رشد ناموزون جامعه ما است. آقای قدرخواه اشاره نموده اند: "ما هم برای وصل کردن آمده ایم اما در چه جهتی؟" پاسخ نیروهای مقاومت ایران و نیروهای متشکله آن بسیار واضح است. به سمت رشد و شکوفایی و بالندگی و این در زمینه هنری امکان پذیر نیست مگر با رعایت دموکراسی در چارچوب نقد هنری.

که چگونه نیروهای حاکم بر جامعه با قوانین بازدارنده سانسور و کنترل به فیلمساز اجازه خلق آثار هنری دلخواهش را نمی دهند. کلام زیبایی که مخملباف در دهان امیرکبیر می گذارد یعنی "سینما توگراف آدم تربیت می کند" حاوی نگرش خاص وی به مقوله سینما است.

مخملباف در گفتگویی با ورترهستوگ، فیلمساز معروف آلمانی که مشروح آن در شماره ۱۵۶ مجله فیلم آمده، مجدداً ضمن اشاره به موضوع سانسور و کنترل در ایران به ویژه در مورد فیلمنامه هایش و این که برای ساخت فیلم دلخواهش مدتها درگیر بوده، بر پرهیز از خشونت و تاکید بر مقلاتی از جمله عشق و شعر، لطافت انسانی و تقابل طبقاتی درون جامعه تاکید می ورزد. یکی از مهمترین وجوه تحول مخملباف به یک فیلمساز واقع گرا با دیدی انسان گرایانه را می توان در فیلمنامه "سلام بر خورشید" منتشره در سال ۷۲ یافت که در آن با تاکید بر شخصیت زن و حق وی به داشتن عشق و علاقه و به طور کلی نیاز انسانها به دوست داشتن، با خلق شخصیتی همچون یک ملا، دیدگاه ارتجاعی آخوندها از زن را به نقد زیرکانه ای می کشد. در مورد مخملباف فعلی این نکته مهم است که آیا سیمای وی، منبعث از واقعیت ملموس جامعه و یا از دیدی آرمانگرایانه برخوردار هست یا نه؟ در عین حال رعایت این نکته ضروری است که اساساً داوری در کیفیت اثر هنری الزاماً با کنکاش در شخصیت خالق اثر ارتباط مستقیمی ندارد. اگر آقای قدرخواه این نکته را قبول ندارد وی را به بیانیه ۱۳۴ نویسنده داخل کشور منتشره در سال ۷۳ ارجاع می دهم. هم چنین ۲۱۴ سینماگر در تیرماه ۷۴ با انتشار نامه ای خواستار حذف قوانین دست و پاگیر سانسور شدند. در بین امضاء کنندگان نامه فیلم سازانی بودند که سالها فیلمهای جنگی و یا بزاساس سیاستهای رژیم ساخته اند، اما آیا می بایست عمل آنها را در نوشتن این نامه نکوهید یا تشویق کرد و دیگر این که آیا می توان گفت این فیلم سازان همه مخالفان رژیم هستند. تعدادی از فیلم سازان از جمله آقایان بیضایی و مخملباف این نامه را امضا نکرده بودند، آیا می توان گفت کسانی که آن را امضا نکرده اند از سیاستهای سینمای رژیم راضی اند یا وابسته به آن هستند.

بحث در مورد مخملباف را با ذکر نمونه ای از یک فیلم ساز خارجی به پایان می برسم. خانم لنی دیفنشال فیلم ساز آلمانی در زمان سلطه هیتلر دو فیلم مستند ساخت که مضمون هر دوی آنها یعنی فیلمهای "پیروزی اراده" و "المپیاد برلین" حمایت از هیتلر بود. پس از جنگ جهانی دوم اکثر سیاستمداران و سرمایه داران حامی هیتلر و جنایتکاران جنگی جان سالم به در بردند. دانشمندانی که در ساخت پروژه موشکهای دوربرد شرکت داشتند در مؤسسه فضایی ناسا مشغول به خدمت شدند و آقای هلموت کهل که در آن موقع ۱۵ ساله و مسئول سازمان جوانان نازی در یکی از ایالتهای آلمان بود در حال حاضر صدراعظم آلمان است. اما خانم لنی دیفنشال علیرغم عذرخواهیهای مکرر از مردم و اعلام این که اساساً هیچ گاه اعتقادی به هیتلر نداشته، هیچ گاه نتوانست به حرفه فیلم سازی برگردد. سهم اساسی در محرومیت دانشی این فیلم ساز را هنرمندان دیگر به عهده داشتند، زیرا

در ماههای اخیر به ویژه شماره های ۹۳، ۹۶، ۹۸، ۱۰۰ و ۱۰۳ هفته نامه ایران زمین، زمینه بحث جدی در مورد سینمای ایران و به ویژه فیلمهای محسن مخملباف فراهم گردیده که نکات مطروحه در آن از جهات بسیاری حائز اهمیت است. قبل از این بحثها نیز سلسله مقالات آقای صبری پور با عنوان مروری بر آثار سینمای ایران زمینه بحث در مورد فیلمهای ایران قبل از انقلاب را به وجود آورد. با توجه به شرایط حاکم بر کشورمان از جمله شدت سرکوب دستاوردهای هنری از طریق سانسور و اعمال محدودیت، بازتاب این محدودیتها در ارتقاء کیفی سطح فرهنگ مردم مؤثر افتاده و به منزله ترمزی در قبال آن عمل می کند. اساساً در جوامعی که هنرمندان و آثار آنها در محاق سانسور و کنترل قرار دارد، رشد نخبگان و هنرمندان جامعه از سادگی به سمت پیچیدگی سیر می کند، زیرا آنها مجبورند برای انتقال توانمندیهای خلق شده به عامه مردم به عنوان یک وظیفه، از قانونمندیهای خودساخته ویژه ای استفاده کنند. این قاعده البته عمومی است. در کشور ما در دورانیهای تاریخی مختلف از جمله حمله مغول به ایران و در زمان صفویه با ویژه گی حکومت شرعی، می توان به تحولاتی در ادبیات و فلسفه و پیدایش شاخه هایی از عرفان و تصوف در قرون هفتم و بعد اشاره نمود. آقای علامه زاده یکی از سینماگران در تبعید و صاحب نظر در تحلیل سینما در کتاب سراب سینمای اسلامی می گوید: "سیاست مرگبار و فرهنگ کش جمهوری اسلامی در زمینه سینما با همه عواقب دردناکش به لحاظ نامیرایی و خصلت پوینده هنر، قادر نبوده که تمامی جوانه های هنر ارزشمند ایران را بخشکند". باید توجه داشت هنرمندانی مثل مخملباف و دیگرانی که در شرایط دشوار فیلمسازی در ایران کماکان به کار مشغولند، توانسته اند این پویایی را از قوه به فعل درآورند. می توان از آقای قدرخواه نویسنده مقالات "مفهوم سرمایه فرهنگی و ارزش مبارزاتی" در ایران زمین شماره ۹۶ و "ما هم برای وصل کردن آمدیم اما در چه جهتی" در ایران زمین شماره ۱۰۰ به عنوان فیلمسازی که به جهت اقامت در خارج از کشور در جریان تحولات سینمای جهان نیز قرار دارد پرسید که، آیا معتقدید سینمای مخملباف از فیلم عروس خویان به بعد از جهت فرم و محتوا با فیلمهای اولیه اش از جمله "استعاده و دو چشم بی سو" یکی است؟ این موضوع که مخملباف زمانی یک فیلم ساز حزب اللهی طرفدار رژیم بوده و حالا نیست به تنهایی محک ارزشیابی آثار او نیست. زیرا فیلمهای اولیه مخملباف اساساً فاقد خصوصیات یک فیلم سینمایی بود و ساخت فیلم براساس سیاستهای رژیم نیز مزید بر علت این موضوع شد. عذرخواهی امروز مخملباف نیز از مردم نه به جهت حزب اللهی بودنش در آن دوره، بلکه به این جهت است که طی این پروسه او به این نتیجه رسیده که آن چه قبلاً می ساخته اساساً فیلم به عنوان یک اثر هنری نبوده و به عبارتی از اعتماد تماشاگر نسبت به فیلمهایش سوء استفاده کرده است. موضوعی که به وضوح در فیلم "سلام سینما" به آن اشاره می نماید. به جرأت می توان گفت در هیچ فیلمی در ۱۷ سال گذشته به اندازه "ناصرالدین شاه اکتور سینما" به موضوع سانسور و کنترل دولت بر صنعت فیلم، حمله نشده است. در این فیلم مخملباف به وضوح نشان می دهد

برای روشن شدن حقیقت

دو گزارش کوتاه در باره فدایی

شهید رفیق اکبر صمیمی



فدایی شهید رفیق اکبر صمیمی

در میان زندانیان اهواز افرادی بودند که اکبر را در سپاه چهارشیر اهواز دیده بودند. آنها همگی می گویند که اکبر بی نهایت نحیف، لاغر و استخوانی شده بود. با توجه به این که اکبر دارای هیكلی تنومند و پرقدرت بود. زندانیان دیگری نیز بودند که از زندان اوین به دلایل سیاسی و خانوادگی به اهواز منتقل شده بودند. آنها که اکبر را به خوبی می شناختند، می گفتند که اکبر از طرف زندانیان به عنوان مسئول یکی از اطاقها تعیین شده بود - برخلاف زندان اهواز که مسئولین بندها و اطاقها از طرف رئیس زندان تعیین می شد و می بایست قابل اعتماد و تواب درجه یک باشد. از چندین مرحله آزمایش و صافی گذشته باشد - همین طور مسئول تلویزیون بوده و بین زندانیان بی نهایت قابل احترام بوده است. بعد از مصاحبه احمد عطاء الهی و عطا نوریان در تلویزیون سراسری، اکبر همواره و تا وقتی اعدام نشده بود شدیداً برای مصاحبه کردن تحت فشار قرار داشته است. ولی هرگز به این مسئله تن در نداد. او به دلیل شرایط ویژه ای که در مرحله اول - دوران بازجویی - در آن قرار داشت، یعنی لو رفتن بخش بزرگی از اطلاعاتش به وسیله احمد عطاء الهی از یک طرف و رعایت نکردن نکات امنیتی و قراردادهای تشکیلاتی از طرف مسئولین تشکیلات مسجد سلیمان و اهواز (اجرای قرار مشکوک و خالی کردن خانه های تشکیلاتی) بعد از آن که اکبر حدود دو هفته شدیدترین شکنجه ها را تحمل کرده بود، نتوانسته بود حوزه تشکیلاتی تحت مسئولیتش را از دسترس حمله رژیم دور نگه دارد. اما در مرحله دوم - دوران زندان - وقتی که دیگر رژیم بعد از تخلیه اطلاعاتی می خواهد شخصیت زندانی را خرد و تهی و او را در تمام حوزه ها در هم بشکند و تسلیم کند و هیچ چیز از او باقی نگذارد، او توانسته بود به خوبی از ارزش انسانی و سیاسی اش، بدون این که ذره ای از خود ضعف نشان دهد، دفاع کند.

من به عنوان یکی از اعضای کمیته تشکیلات راه کارگر در اهواز، از این که اکبر رابط تشکیلاتی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران با راه کارگر در خوزستان بود مطلع بودم. بعد از دستگیری اکبر، با توجه به این که او به تشکیلات راه کارگر در خوزستان دسترسی داشت، اما هیچ گونه ضربه ای به تشکیلات ما در آن دوره وارد نشد. غیر از این شواهدی در دست است که اکبر اطلاعات وسیعی از تشکیلات سازمان خود در شهرهای دیگر و سازمانهای سیاسی دیگر داشت ولی آن اطلاعات را هم در بازجویی لو نداد.

نویسندگان: ۱/فوریه/۹۶

بقیه در صفحه ۸

پرداخت. فعالین مسجد سلیمان مثل هرمز درخشان، خسرو و فرامرز و چندین نفر دیگر که به وسیله او لو رفته بودند همگی می گفتند که مقصود ضربه به تشکیلات در این بخش مسئول آنها بوده است. تاکید همیشگی اکبر بر عدم اجبرای قرار در صورت عدم اجرای قرار هتدگی و این که حالت و طنین صدای اکبر در پشت تلفن به اندازه کافی آگاهی دهنده بوده است دلیلی بوده که افراد این بخش از تشکیلات در مورد ضربه و مسئول آن می آوردند. خود مسئول مسجد سلیمان نیز در زندان موارد بالا را مورد تأیید و تاکید قرار می داد. متأسفانه او تواب شد و تا آخرین روز در زندان به همین شکل عمل کرد.

— در شب همان روز، پاسداران اکبر را به در خانه سعید بهرامی مسئول اهواز و رابط بین خوزستان و لرستان می برند. پاسداران به خیال این که سعید مسلح است و تیراندازی خواهد کرد، با نورافکنهای قوی به سمت چشمان او درصدد بودند تا مانع این کار شوند. ولی از طرف سعید عکس العملی این گونه صورت نمی گیرد. او و همسرش بتول سلیمانی در همان شب در خانه خودشان دستگیر می شوند. سعید بهرامی در زندان به همکاری گسترده با رژیم پرداخت. و این نه فقط مربوط به مرحله اول (دوران زیر بازجویی) بلکه در مرحله دوم (دوران پس از بازجویی و انتقال زندانی به زندان عمومی) نیز ادامه داشت تا جایی که به عنوان مسئول یکی از اطاقهای بند ۷ زندان از طرف مسئول زندان کارون تعیین شد. سعید بهرامی برای کسانی که در سالهای ۶۰ تا ۶۱ در زندان کارون اهواز زندانی بوده اند، چهره ای شناخته شده و نفرت آور بود. همه روزه کارش این بود که در بالای تخت سه طبقه می نشست و از بالا همه آن چه را که در زیر پایش در فضای اتاق جریان داشت به مسئولین زندان گزارش می کرد. از ابتدایی ترین حرکات و تماسها گرفته تا نحوه غذاخوردن بچه ها با هم. هیچ چیزی را از نظر دور نمی داشت. در نهایت این گزارشها در فشار بیشتر بر زندانیان مؤثر بود. متأسفانه او چنان چهره ای زشت از خود ساخته بود که همسرش - بتول سلیمانی - که در بند زنان زندانی بود و بی نهایت قابل احترام و از زندانیان غیر تواب محسوب می شد، حاضر نمی شد که در مواقعی که زن و شوهر با هم ملاقات داشتند، در ملاقات او بیاید و از ملاقات با او سرباز می زد.

سعید همه این کارها را انجام داد تا بلکه "جان" خود را نجات دهد ولی سرانجام او و مسئول مسجد سلیمان هر دو اعدام گردیدند. و برای اولین بار حاکم شرع در اهواز برای یک چپ محکوم به اعدام یعنی سعید بهرامی، نماز میت خواند. او از این جهت به یک استثناء تبدیل شد. حاکم شرع گفته بود: "او با همکاری خود بخشی از گناهانش را پاک کرد ولی او باید اعدام می شد که جزای آن دنیایی را که از طرف خداوند برای او مقرر گردیده نیز ببیند."

در تشکیلات اهواز رفیق دیگری به نام علی بهرامی فعالیت می کرد که دستگیر می شود و زیر شکنجه به شهادت می رسد. این شباهت و نزدیکی نام خانوادگی باعث شده بود که در بیرون زندان افرادی که شناخت نداشتند، همواره فکر کنند که یک فرد به نام بهرامی وجود داشته که به شهادت رسیده است. علی بهرامی هرگز به زندان عمومی انتقال نیافت و در زیر بازجویی و شکنجه به شهادت رسید. برخی از بچه های زندان عکسهای شکنجه شده او را که به وسیله بازجوها برای خردکردن روحیه دستگیرشدگان در زیر بازجوییها نشان داده می شد، دیده بودند.

— روز بعد صبح زود، پاسداران اکبر را به در خانه همسرش در منطقه کارمندی اهواز به نام زیتون می برند و همسرش را نیز دستگیر می کنند.

دو گزارش زیر براساس دیده ها، شنیده ها و دانستنیهای افرادی که از نزدیک شاهد و درگیر مسائل رفیق اکبر صمیمی بوده اند تنظیم شده است. نویسنده گزارش اول قبل از انقلاب حدود یک سال در زندان کارون اهواز با رفیق اکبر هم بند بوده است. پس از انقلاب هم او شش سال در زندانهای کارون و فجر اهواز (بین سالهای ۶۱ تا ۶۷) با رفقای تشکیلات اهواز و مسجد سلیمان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که از نزدیک در رابطه تشکیلاتی با رفیق اکبر بوده اند، هم بند بوده است.

این گزارش به صورت "خام" ارائه می شود و احساس و علاقه شخصی رفیقی که این دو گزارش را در اختیار ما و سازمانها و افسراد دیگر قرار داده در آن نقشی ندارد. او می نویسد: "سیستم پلیسی جمهوری اسلامی همواره تلاش داشته تا زندگی و فعالیت سیاسی مبارزین را در حاله ای از ابهام قرار دهد، آن را لوٹ و آلوده کند و با ایجاد وحشت ما را از نزدیکی به آنان دور کند. وظیفه ما در این میان کشف راههایی است که این نظام پر از وحشت و نکبت در تاریخخانه های خون آلودش، پنهان کرده تا حیثیت سیاسی، انسانی و اخلاقی مبارزین سیاسی را لکه دار کند و در نهایت ما را از گرمی داشتن و احترام به ارزشها و فداکاریهایشان باز دارد."

گزارش اول

اکبر را که به وسیله احمد عطاء الهی لو رفته بود، در تهران دستگیر می کنند. از قرار معلوم اتومبیلی که همراه اکبر بوده، حاوی مقداری زینت و دیگر مواد چاپ "نشریه" بوده که توسط پاسداران کشف می شود. اکبر را بعد از ۱۲ روز شکنجه به اهواز می آورند. محل بازجوییها و شکنجه او در سپاه چهارشیر اهواز بود.

احمد عطاء الهی چارت تشکیلاتی را در اختیار داشته است. به بیان دیگر اسکلت تشکیلات را در اختیار بازجوها قرار داده بود و حالا فقط می باید قسمتهای مختلف آن پر می شد. اکبر نیز با تصور این که بعد از ۱۲ روز تحمل شکنجه و عدم اجرای قرارها، تشکیلات خوزستان از دستگیری او آگاه شده و اقدامات لازم امنیتی صورت گرفته، به مسئول مسجد سلیمان تلفن می زند و با او قرار می گذارد. قرار آنها قبلاً هفته ای یک بار و در محلی به نام گاراژ میهن اجرا می شده است. مسئول مسجد سلیمان سر قرار که متحرک بوده می آید. آنها از گاراژ میهن به سمت دروازه، راه می افتند. اکبر ماجرا را به او می گوید و مسئول مسجد سلیمان به اکبر می گوید که می تواند فرار کند، ولی اکبر می گوید که قرار محاصره شده و در صورت چنین کاری او را به رگبار می بندند. در این قرار مسئول مسجد سلیمان را دستگیر می کنند. او در زندان برای زندانیان گفته بود که وقتی اکبر تماس تلفنی گرفت، او متوجه شده بود که قرار ساختگی است. چون قاعده این بوده که قرار آنها هفته ای یک بار اجرا شود و در غیر این صورت هر احتلالی که در این روند به وجود آید، نشانه غیر معمول بودن شرایط و حاکی از بروز مسئله ای است و بنابراین او نباید به سر قرار بیاید. نکته دیگر لحن و طنین صدای اکبر موقع تلفن بوده است. ولی با وجود این شک نزدیک به یقین و ارزیابی درست از شرایط، او به سر قرار می رود. مسئول مسجد سلیمان در زیر بازجوییها و حتی بعد از گرفتن حکم اعدام به همکاری گسترده با رژیم

برای روشن شدن حقیقت

دو گزارش کوتاه در باره فدایی شهید رفیق اکبر صمیمی

بقیه از صفحه ۷

گزارش دوم

اکبر صمیمی در بند ۲۰۲ شعبه ۶، محکومان محارب بند ۳۴، با دایی من هم بند بود و در بند عمومی طبقه بالا (بند ۲) هم با خودم. اکبر را در زیر پل سید خندان در تهران گرفته بودند. وقتی دستگیر می شود او را زیاد شکنجه می کنند. بازجویی شخصی به نام حامد بود. حامد آدم بسیار خشن و بی رحم بود. بیشترین شکنجه ای که اکبر متحمل شده بود به مدت ۱۱ روز پشت سرهم پس از دستگیری اش بود. آثار شکنجه روی بدن و پاهایش مشخص و دیده می شد. این شکنجه در رابطه با این بود که آیا مصاحبه تلویزیونی می کنی یا نه؟ او را شکنجه داده بودند که در مصاحبه تلویزیونی احمد عطاء الهی در کنار او مصاحبه کند. در بند ۲ اطاق بالا مسئول تلویزیون بود. بچه ها خیلی راحت بریده ها و نادمین را شناسایی می کردند. بچه ها اکبر را به خوبی شناخته بودند. من خودم توی آن دوران که دیدمش روحیه اش خیلی خوب و بالا بود. تنها ناراحتی که داشت چگونگی نجات اطلاعات لو رفته بود. گفتم که به غیر از من با دایی خودم و جهانبخش سرخوش که از بچه های اقلیت بود و نمی دانم اعدام شد یا نه، ولی دو تا از برادرهایش مجاهد بودند و اعدام شدند، هم بند بود. اکبر می گفت که بچه های تشکیلات نباید دستگیر شوند. به هر طریقی که شده باید با خوردن سیانور خودکشی کنند چون میزان شکنجه خیلی زیاد بود. وقتی با شکنجه و کتک بازجوها نتوانستند اکبر را نرم کنند، سعی کردند بیفتند روی خط نصیحت و کلک و جاسوس گذاشتن پیش او. احمد عطاء الهی را آورده بودند بالای سرش (به علت شکنجه زیاد قادر به حرکت نبود) تا اکبر را موعظه و برای مصاحبه و همکاری آماده اش کنند. یک روز عصر احمد را آورده بودند بالای سرش تا نصیحتش کند، احمد عطاء الهی به او گفته بود که تشکیلات از هم پاشیده و ما شکست خورده ایم و تو هم ول کن. اکبر هیچ نگفته بود. عصر آخر وقت اکبر به متلک به احمد گفت بدو برو داره نمازت قضا می شود، برو نمازت را بخوان. احمد عطاء الهی به حامد گفته بود که این پدر سگ آدم بشو نیست. اکبر توسط احمد لو رفته بود. کلکی که اینها می زدند، سعی می کردند مبارزین مقاوم را در ماشینهای گشتی و یا در معابر عمومی به طور آشکار در معرض نمایش بگذارند و در سطح وسیعی پخش کنند که فلانی در حال لو دادن همه چیز است. این کلک در رابطه با اکبر به کار رفته بود. چون در بیرون شایع شده بود که اکبر لو داده است. هر کس را که می گرفتند می گفت اکبر لو داده است و ما باید هر چیزی در مورد اکبر می دانیم بگوییم. به این طریق اطلاعات راجع به اکبر جمع می کردند و او را دوباره در مورد اطلاعات جدیدی که داده شده بود، بازجویی می کردند. این تاکتیک به خصوص در مورد افراد مقاوم به کار برده می شد. در مورد این گونه افراد در بیرون در سطح وسیع شایعه پخش می کردند که فرد مزبور در حال لو دادن است. مثلا هر کس را که می گرفتند به او می گفتند حالا که اکبر صمیمی همه چیز را لو داده است می خواهی اکبر را بباوریم تا همه چیز را روبرویت بگوید. در نتیجه فرد دستگیر شده می گفت حالا که

از پیشینه، گسست و پیوند

بقیه از صفحه ۲

میدانهای تصادم دیگری نیز وجود دارند که برخورد به آنها شرایط و نیروی کیفی متفاوتی را طلب می کند که در پایین به این بخش هم اشاره خواهد شد.

ترسیم آینده همان گونه که گفته شد مسیر تحولات آینده کشور ما از درون مبارزه دو قطب متضاد دموکراسی و استبداد می گذرد و به نتیجه آن وابسته است. این به آن معنا است که الترناتیو کلیه سیاستها، قوانین، دیدگاهها، ساختارها و هر آن چیز دیگری که محصول حیات مادی رژیم است و خود به آن حیات می بخشد را باید در خردمندانی، موازن بین المللی و دستاوردها و بنیادهای تمدن معاصر جستجو کرد. بنابراین آن جا که ترکیب، ساختار و آثار و نتایج مادی حکومت به مثابه دستگاه سیاسی موضوع نقد است، مذهب ستیزی یا نقد مقایسه ای به استناد باورهای دیگر، صحنه واقعی نبرد را در گرد و خاک کشاکش گرایشهای فکری، پنهان خواهد ساخت. ائتلاف شورای ملی مقاومت در همین راستا به مرزبندی خود با رژیم ملاحا، هویت عرفی و عقلانی داده و به این رویکرد در مفاد برنامه ای خود صراحت بخشیده است. به عنوان مثال طرحهای "رابطه دین و دولت"، "زنان"، "آزادیهای اساسی" و... آشکارا از هر پیش داوری ایدئولوژیک فاصله می گیرد و پاسخ معضل را نه در قلمرو اجبارها یا اختیارات فرهنگی، دینی، تفکرات قالبی و غیره بلکه در گستره مدنیستی جستجو می کند که از دل تجارب قرنها تلاش جوامع مختلف برای سازمان بخشیدن آزاده تر، عادلانه تر و انسانی تر به محیط کار و زندگی خود، رونیده است. مدنیستی که حوزه شمول آن را هیچ انقیاد زمینی یا آسمانی محدود نمی کند و حقوق شهروندی را تابع رنگ، نژاد، مذهب، ملیت، میزان درآمد سرانه و... نمی داند. از

این موضع، شورا در برابر چالشهای جامعه ای که حتی ارتجاع آخوندی نیز نتوانسته ارتباط و پیوندهایش با جهان پیرامون را بگسلد، آماده و آراسته است.

از سوی دیگر جایگاهی که شورا به درستی برای خود قائل است (جانمایی که به اتکای پیشتازی در صحنه نبرد، نهادهای قانونی و سازمان اداری خود را شکل داده و از مشروعیت اخلاقی و سیاسی و صلاحیت اجرایی برخوردار است) کمتر از هر نیروی دیگری امکان وام گرفتن یا بهره جستن از دلایل ایدئولوژیک برای نقد سیاستهای حکومت و یا توجیه سیاستهای خود را در اختیار می گذارد. زیرا اولاً موقعیت حقوقی اجزای مختلف الترناتیو، موضع نمایندگی پرنسپیهای عام مندرج در برنامه آن را به طور اتوماتیک به همراه می آورد و ثانیاً امر پذیرش اجتماعی جانشین به گونه ای بی واسطه با جایگاه فرا ایدئولوژیک، تشکیلاتی آن و یا به بیان دیگر چارت پلورالیستی نظری و سیاسی اش در ارتباط است.

این حق مشروع، حق دموکراتیک و قابل درک نیروهای مختلف است که از باورها و نحوه نگرش خود دفاع کنند، با سلاخی که خود مناسب می دانند در این یا آن تضاد مداخله نمایند. اما وظیفه حکومت یا یک جانشین جدی شناخته شده با کاراکتر دولتی، اثبات حقانیت روشهایی که برای اداره امور جامعه و برای تنظیم امور اجتماعی پیشنهاد می کند، است و نه ترویج جهان نگری. رژیم ملاحا فقط نمود دیگری از وجه ضد انقلابی و ارتجاعی تضاد دیرینه جامعه ما است. با این تفاوت که این بار نیروی بالنده اجتماع است که دست به خلع سلاح همه جانبه آن برده است. از این فرصت تا حل نهایی تضاد به سود جبهه دموکراسی، عدالت اجتماعی و حکومت عرفی و عقلانی باید بهره گرفت. به گذشته و حال بیاندیشیم و آینده را بیافرینیم.

ژوئیه ۹۶

تاریخ شفاهی چپ ایران

آقای حمید احمدی، مدیر طرح تاریخ شفاهی چپ ایران و دارنده حق کپی رایب به ضمیمه نامه ای، گزارش ضبط و تنظیم ویدئویی مجموعه نخست "تاریخ شفاهی چپ ایران" را برای نبردخلق ارسال نموده اند. در پایان این گزارش آمده است که: "در حال حاضر مرحله پیاده کردن بخشی از نوارهای مجموعه اول در دست اجرا است. در نظر است که مجموعه اول (حدود ۶۰۰۰ صفحه) در یک مجموعه CD-ROM منتشر و در اختیار علاقمندان مطالعه تاریخ معاصر ایران قرار گیرد. هم اکنون یکی از خاطره گویان مجموعه پیشقدم شده تا امکان مالی انتشار مجموعه ها را فراهم سازد. در آینده در روند پیشرفت کارها، توضیحات تکمیلی را در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت."

کار کودکان به شدت گسترش یافته

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد در گزارشی می گوید استفاده از کار کودکان به شدت گسترش یافته و از کنترل خارج شده است. حدود ۲۰۰ میلیون کودک مجبورند کار کنند و شرکتهای تجاری، کودکان را از طریق مناقصه کاران به کار می گیرند. این کنفدراسیون از دولتها خواسته است مفاد قانونی مخالف با کار کودکان را بر توافقنامه های تجاری جهانی بگنجانند.

رادیو بی بی سی ۶/تیر/۷۵

اکبر همه چیز را گفته، بگذار اطلاعات راجع به اکبر را بدهم و به این طریق اکبر را دوباره بازجویی می کردند و می خواستند در رابطه با اطلاعات جدید بازجویی پس دهد.

اکبر با حسن غفورپور و جهانبخش سرخوش، هسته بچه های اقلیت در زندان را تشکیل داده بودند. البته بچه هایی که خود از نزدیک اکبر را در زندان دیده اند همه شاهد مقاومتش بوده اند و خواه ناخواه از زندان آزاد می شوند و حقایق گفته خواهد شد.

در مورد جهانبخش سرخوش وضع ویژه ای داشت. او به وسیله یک کارمند لو رفته بود و همه جا تحت تعقیب بود ولی خودش نمی دانست. همه جا از او عکس گرفته بودند. بعد از دستگیری از او سؤال می کردند فلانی را می شناسی می گفت نه، عکسهایی که گرفته بودند را به او نشان می دادند. خلاصه جهانبخش هم داستانی داشت.

گزارش از حسن - ج از کانادا

زیر نویس

• - حسن توکلی از مسئولین نفت تهران مثل دیگران تحت تاثیر جو می گفت که اکبر لو داده است. او در آخرین ملاقاتی که با خواهرش قبل از اعدام داشت، پیام زیر را داده بود که توسط یکی از فامیلیهایش که اکنون در آلمان زندگی می کند به من داده شد: از اکبر به نیکی یاد کنید.

قوانین ازدواج و تعدد زوجات در ادیان مختلف

— گردآورنده رویا

تبعیض مثبت

— علی ناظر

اول تیر برای شورا و آنهایی که دست در کار سیاسی دارند روز بسیار پر باری بود. خانم مریم رجوی در سفر خود به لندن در گردهمایی بزرگی شرکت کرده و دو دیوار مهم را فرو ریخت. اول آن که صدای مخالفین رژیم ددمنش آخوندها تا اقصی نقاط جهان به گوش عالم رسید و دوم آن که، خانم رجوی برای اولین بار توانست از موضع رئیس جمهور برگزیده مقاومت وارد پراتیک علنی سیاسی شود. این دستاورد برای شورا بسیار گرانبه بود و بایستی منتظر دیگر نتایج مثبت آن بود. در این جلسه مریم رجوی در سخنرانی خود در کنار برشردن ستمهایی که بر زنان گذشته با تائید بر تز تبعیض مثبت تاکید می کند که "... با اجرای سیاست تبعیض مثبت طی یک دوران، محرومیت تاریخی زنان جبران خواهد شد. ایشان تاکید می کنند که "علاوه بر این (مسئولیتهای کلیدی را به عهده داشتن)، برای واژگونی نظام تبعیض جنسی و تغییر بنیادین در سیاستهای آن، زنان باید برای یک دوران، هژمونی سیاسی را در دست بگیرند."

ساختار بحث

موضوع این یادداشت در باره اهمیت این سفر نیست. بلکه در باره محتوی صحبت خانم رجوی است. و آیا این که "تبعیض مثبت" آن طوری که شورا می خواهد پیش برود راهگشاست و یا آن که به مرور زمان تبدیل به پایچی خواهد شد که نیروهای مبارز را مجبور به موضع گیریهای ناهماهنگ با پرنسیپهای دموکراتیک آنها خواهد کرد.

برای آن که بتوانیم به کنه مطلب واقف شویم بایستی برای پیشبرد بحث و تا پایان آن فراموش کنیم که مبارزانی چون رجوی، میرهاشمی و متین دفتری و ... خواهان پیاده شدن این روش هستند والا علاقه شخصی و احساسات رفیق دوستی و شور و شوقی که به آنها داریم باعث خواهد شد که مطلب را با تعصبی (قابل درک) مورد تحلیل قرار داده و نتوانیم به راحتی به آن بپردازیم.

در عین حال، به خاطر داشته باشیم که اولاً مبحث تبعیض مثبت، از زمان بنیانگذاران فمینیسم در اروپا و آمریکا، همیشه قوه محرک بحثهای داغ بوده و حتی این سیاست برای مدتی در بعضی از کشورهای صنعتی به مورد اجرا گذاشته شده است. دوماً نباید فراموش کنیم که تبعیض مثبت، آن طور که تا به حال مرسوم بوده مختص به یک قشر، رده، ایل و یا جنسیت به خصوصی نمی باشد و تا آن جایی که به ایران مربوط می شود بایستی در نظر داشته باشیم که ایران کشوری است که از نهادهای مختلف تشکیل شده و از آن جایی که خوی و خصلت ایرانی سازش پذیر است، مذهب، ادیان، رنگها و نژادهای مختلف توانسته اند همزیستی کنند.

بقیه در صفحه ۱۰

در باره صفحه دیدگاهها

کسانی که برای آرمانهای بالای بشری، برای آزادی، عدالت و دموکراسی ارزش قائلند و در راه تحقق آن به اشکال مختلف می کوشند، کسانی که هرگونه سازش با رژیم ارتجاعی حاکم بر میهن ما را اقدامی علیه منافع مردم ایران می دانند، کسانی که نظامهای استبدادی شاه و شیخ و اصولاً هر شکل از استبداد را مانع پیشرفت و ترقی مردم ایران می دانند، کسانی که به دموکراسی و عدالت به مثابه اصلی ترین خواست مردم ایران اعتقاد دارند، می توانند نظرات خود را برای نبرد خلق ارسال نمایند.

(محارم) کمبوجیه با خواهرش، بهرام چوبین با کردیه خواهرش، بهمن یا کی اردشیر با دختر زیبایش، هما ازدواج کردند، شیرویه پسر خسرو پرویز از شیرین زن پدرش خواستگاری کرد و دارا هنگام مرگ به برادرش اسکندر وصیت کرد که روشنگر دختر وی را به همسری بگیرد. هما دختر کی گشتاسب به همسری برادرش درآمد و در ویس ورامین آمده که ویس با برادرش ازدواج کرد. در مورد ازدواج با بیگانگان مثال زال و رودابه وجود دارد. ولی این موضوع نادر بوده است. (مختصر شده از کتاب ایران باستان صفحات ۱۲۳ تا ۱۴۰).

به مسئله ازدواج و تشکیل خانواده در قسمتهای مختلف تورات، کتاب آسمانی کلمیها اشاره شده است. داستان برده ابراهیم که به موسیوآتمیا سفر کرد تا برای پسرش اسحاق، عروسی بگیرد (Genesis 24) و یا زحمتهایی که یعقوب در مزرعه پدر زنش کشید تا زن اولش لیه را بگیرد و یا هفت سال دیگر کار کرد تا با زن دومش راشل ازدواج کند (Genesis 29) ولی در مورد سن قانونی ازدواج و یا ازدواج در طبقه خود چیز زیادی در این کتاب یافت نمی شود. (به نقل از کتاب Women and jewish law by R. Biale صفحه ۴۴)

هم چنین در تورات (- Deuteronomy 21: 13) آمده که "فرض کنید مردی با زنی ازدواج کرد و بعد تصمیم گرفت که او را نمی خواهد. پس علیه زن ادعاهای دروغ می کند و او را به باکره نبودن متهم می کند. در این صورت باید والدین دختر ملافه خونی شب عروسی را در دادگاه به سران شهر نشان دهند! پدر دختری می گوید من دخترم را به عقد این مرد درآوردم و حالا او را نمی خواهد. او اتهامات واهی به دخترم زده ولی این ثابت می کند که دخترم باکره بوده است. بعد سران شهر باید شوهر را ببرند و کتکش بزنند و هم چنین از او صدسکه نقره گرفته و به پدر دختر بدهند چرات که مردی یک دختر اسرائیلی را بدنام کرده است. هم چنین دختر، همسر آن شخص باقی می ماند و او هیچ وقت حق ندارد تا وقتی زنده است این زن را طلاق دهد. ولی اگر اتهامات درست بود و هیچ مدرکی دال بر باکره بودن دختر نبود، آنها باید دختر را به در خانه پدرش ببرند و تمام مردان شهر باید او را سنگسار کنند تا بمیرد!! آن زن کار زشتی کرده که قبل از ازدواج، وقتی که در منزل پدرش زندگی می کرده است همخوابگی کرده. بدین صورت از دست این شیطان راحت می شوید."

در مورد تعدد زوجات در دین یهود به مرد اجازه داده شده که چندین زن داشته باشد و کسی به تعداد همخوابگیهای او کاری ندارد. در صفحه ۴۹ کتاب Women and jewish law by R. Biale آمده که "بر طبق هالاخاه (Halakhah) مرد می تواند خود را قسمت کند و هر تعداد زنی را که بخواهد بگیرد. فقط یک محدودیت وجود دارد و آن هم در مورد پادشاهان است که شاه بیش از ۱۸ زن نمی تواند بگیرد و استثناً فقط حضرت سلیمان بوده که ۱۰۰۰ زن داشت. مردان عادی حق تعدد زوجات نامحدود دارند. ولی زن حق دارد فقط با یک مرد ازدواج کند. البته رایبها تعداد ایده آل همسر را ۴ زن توصیه کرده اند که شوهر هفته ای یک بار در ماه به هر کدام برسد تا وظیفه قانونیش (اوناه Onah) را حفظ کرده باشد.

بقیه در صفحه ۱۱

در شماره ۱۳۲ نبرد خلق، برخورد ادیان مختلف با مسئله عادات ماهانه زنان را شرح دادم. در این شماره قوانین ازدواج و تعدد زوجات در ادیان مختلف در رابطه با زنان را بررسی می کنم. در رابطه با بحث قبلی ابتدا از دین زرتشت شروع کردم و خوانندگانی با تلفن و نامه متذکر شدند که بعضی معتقدند دکتترین زرتشت از یهود گرفته شده و قدیمی ترین دین کلمی است و چون عده کثیری بر این باور هستند و خلاف آن ثابت نشده این مبحث را با قوانین یهود (کلمی) شروع می کنم و سپس به زرتشت، مسیحیت، اسلام و بهایی می پردازم. در ضمن کتابی هم به دستم رسیده به نام "زن در ایران باستان" به کوشش خانمها دکتر فرخ رو پارسا، دکتر هما آبی و دکتر ملکه طالقانی که در آن از قوانین مربوط به زنان در ایران باستان سخن می گوید. در صفحات ۱۲۳ تا صفحه ۱۴۰ این کتاب نوشته شده که اصولاً پدرها شوهران دخترانشان را انتخاب می کردند. همچنین زنان به طبقات تقسیم می شدند که در زیر به طور مختصر به آنها اشاره می کنم. زیرا که اکنون این طبقات وجود ندارند (خوشبختانه)!

۱- کدت خوتای یا بانوان که لقب زنی بود که حقوقی بیش از دیگر زنان یک مرد داشت، مثل فرانک و فرنگیس، رودابه مادر رستم، همای رن و دختن کردیه بانوی خسرو پرویز، شیرین و مریم بانوان خسرو پرویز در شاهنامه
۲- کتیزک یا چاکر زن، عنوانی بود که به دیگر زنان مرد اطلاق می شد.
۳- خودسر زن، دختری بود که بدون اجازه و رضای پدر، شوهر می کرد که مورد خشم پدر قرار می گرفت، مثل منیزه در شاهنامه
۴- ایوک زن، اگر مردی می مرد و پسری نداشت که وارث و حافظ نام او گردد دخترش را به یکی از اقوام نزدیک به زنی می دادند. پسر نخستین این وصلت منتسب به او بود و بدین گونه جنبه نیانی خانواده حفظ می شد. نام چنین زن یا دختری، ایوک زن بود. مثل داستان ایرج و دخترش که پسری به نام منوچهر از آنها به دنیا آمد.

۵- ستر زن، هر گاه مردی پیش از ازدواج در می گذشت (عموماً ۱۵ سالگی) اقوام او دختری را با جهیزیه که خود برایش فراهم می ساختند به ازدواج مردی از اقوام متوفی، مشروط بر این که نیمی از فرزندان این زن متعلق به آن متوفی باشد در می آوردند و معتقد بودند که خود این زن نیز در دنیای دیگر از آن مرد متوفی خواهد بود.

۶- کرا زن، در زمان قدیم اتفاق افتاده است که مردی زن خویش را به مردی دیگر بپسارد بدون این که رضایت زن شرط و لازم بوده باشد. ولی همسر دوم حق مداخله در اموال و داریایی زن خویش را نداشته باشد. این نوع زنان استقراضی یا عاریتی خوانده می شدند و حکم ملک و داریایی را داشته و در حقیقت به اجاره داده می شدند و مال الاجاره ایشان فرزندان بود است که از وصلتهای بعد به وجود آمده و به شوهر اول تعلق می گرفت. تعدد زوجات در ایران باستان بسیار متداول بوده به طوری که رستم در هر شهری با دختری ازدواج می کرده، بهرام گور یک بار در آن واحد با چهار دختر پیوند زناشویی بسته، خسرو پرویز زنان متعدد مثل شیرین و مریم و کردیه را داشته است. به قول هردوت، کوروش دو زن به نام کاسان دان و آمیتیس را داشته، کمبوجیه و داریوش هم چند زنه بودند و عده زنان اردشیر به ۲۶۰ می رسید ولی زنها فقط اجازه یک شوهر داشتند. در مورد ازدواج با خویشان و نزدیکان

تبعیض مثبت

بقیه از صفحه ۹

البته جای تامل دارد که از یاد نبریم که در عرض چندین قرن گذشته، خلقهای تشکیلی دهنده ایران، همیشه تحت ستم فارس زبانان بوده اند، و پیروان ادیان مختلف هم همیشه، تحت ستم مسلمانان، از اعتقادات خود دفاع کرده اند (فعلا به این مطلب نمی پردازیم که آیا آن مسلمانان، مسلمانان راستین بوده اند یا نه. فقط به خاطر می آوریم که زرتشتیان مجبور شدند که به اسلام بگروند، ارامنه هرگز به صدر حکومت نرسیدند. بهائیان نجس قلمداد شده اند و همیشه به آنها به دیده یک فرقه مذهبی و نه یک دین برخورد شده است). لائیکها که جای خود دارند. فرهنگ ستمگرای ایرانی که آغشته به دین است، آن گونه طرح ریزی شده که هر کس که بگوید به خدا اعتقاد ندارد، مورد تکفیر همه قرار می گیرد و لائیکها هرگز نتوانسته اند که قدرت سیاسی را در دست داشته باشند. حتی در مقاطعی از زمان، مارکسیست - لنینیستها برای پیشبرد اهداف خود و رخنه در قشر پائینی جامعه مجبور می شدند که نماز بخوانند و از بسیاری از فرائض دینی آگاه باشند.

به طور خلاصه در ایران فقط زنان ستمدیده نبوده اند بلکه اقشار، خلقها و تفکرها و اندیشه ها هم بوده اند. پس سؤال این است که آیا هر ستمدیده ای محق بهره برداری از تز تبعیض مثبت هست؟

یک قطره آب هم روزه را باطل می کند

بگذارید با استفاده از یک مثال مذهبی مطلب را بیان کنم. مسلمانان معتقد هستند که آدم روزه در مدت انجام این فریضه دینی نباید آب بنوشند، چه یک قطره چه یک قدح، و گرنه روزه شان باطل می شود. قانون مدنی و حقوق قضایی هم به همین صورت است. از دید قانون یک مجرم مجرم است، حتی اگر جرمی که مرتکب شده و یا قانونی را که زیر پا گذاشته چندان اهمیتی نداشته باشد. و یا در بعضی از موارد مانند یعقوب لیث هدف از دزدیدن قافله کمک به بیمار و ناتوان باشد. به هر صورت از دیدگاه قانون، وی قانون شکنی کرده است. مهمتر آن که اگر نگهبان قانون اجازه دهد که قانونی شکسته شود چون به نفع خلق خواهد بود، آن نگهبان قانون، که همانا قوه قضایی و مدنی است، دیگر نمی تواند جلوی هیچ قانون شکنی دیگری را بگیرد، حتی قانون شکنیهایی که ضد خلقی باشند.

اگر ما اجازه دهیم که زنان در ایران آزاد آیند، به خاطر آن که در نظامهای قبلی به آنها ظلم شده، از مزایای بیشتر از حقوق حقه یک انسان آزاد ایرانی بهره مند شوند، دیگر نمی توانیم جلوی تبعیض مثبت بعدی را بگیریم، حتی اگر بدانیم تبعیض بعدی هدفی به جز پیشبرد اهداف یک سازمان، دسته و یا حزب به خصوصی را ندارد.

ما ایرانیها بایستی بیاموزیم که آزادی، قانون اساسی و مدنی برای همه است و ضمناً بپذیریم که خانم رجوی مادام العمر رئیس جمهور نخواهند بود و این شورا هم مانند دول لیبیایی و سوری ابدی نمی تواند باشد. اگر این حقیقت را بپذیریم، بسیار ساده خواهد بود که قبول کنیم که هیچ فرد و نهادی نبایستی قانون "همه در برابر قانون" با هم برابر خواهند بود" را بشکنند. در غیر این صورت، حزب

فلان یا بهمان که بعد از پایان دوره ریاست جمهوری خانم رجوی به مسند کار بنشینند خواهد گفت که کردها و بلوچها و یا ترکمنها و یا ترکها و یا بهائیهها و یا ارامنه و یا اعراب خوزستان و یا سنیها و یا شهدای جنگ و یا آزاده ها و یا مستمندان و یا کشاورزان و یا... تا مدتی بایستی از تبعیض مثبت به خصوص خود بهره مند شوند. و از آن جایی که انقلابیونی چون میرهاشمی، متین دفتری و رجوی اولین سنگ این اما و اگرها و تبصره و تذکراهای کوتاه مدت را بنا نهاده اند دیگر هیچ کس جلودار هرج و مرجهای بعدی نخواهد بود، مگر آن که بگوییم این قانون شکنیها برای شورای ملی مقاومت خوب است چون اعضای آن انقلابی هستند ولی برای دیگران حرام است، که البته این صحبتی است بر خلاف مفهوم متداول دموکراسی.

رفاه اجتماعی

به قول مریم رجوی علت این که زن "برده بردگان" است، اول به خود او برمی گردد و دوم به نظام حاکم. علت این که زن بی سواد است این است که وسایل رفاهی برای او و خانواده او به وجود نیامده است. اگر بیمه اجتماعی، بیمه بازنشستگی، بهداشت رایگان و یا مشابه آن، و اگر سوادآموزی و دوره های کارآموزی برای مرد و زن به وجود آید، آن جامعه پیشرفت اقتصادی خواهد داشت و بالطبع زن آماده است تا پیام آزادکننده اش را بشنود. آزادی صوری، هژمونی صوری، رهبری و یا مدیریت صوری، شاید در جوامع کوچک جوابگو باشند، ولی برای جوامع بزرگ، آن هم با ساختار و مشخصات فرهنگی ایران، ممکن نخواهد بود. این دگرگونی بایستی در پروسه ای طولانی و همراه با انقلابی فرهنگی باشد.

شاید اگر سیستم تشکیلاتی سازمانهای مجاهدین و چریکهای فدایی را مورد بررسی قرار دهیم به این امر بیشتر پی ببریم. خانم رجوی به مسئولیت سازمان مجاهدین انتخاب نشدند چون زن بودند، ایشان، بنا به گفته مسئولین امر در این سازمان، دقیقاً به خاطر مسئولیت پذیری و کارآمدشان بود که انتخاب شدند. اگر جز این بود که سازمان مجاهدین این گونه پا برجای نمی ماند. و یا آن که نمی توان پذیرفت که میرهاشمی سردبیر نبردخلق شده چون از لحاظ جنسیت با عضو دیگر سازمان تفاوت دارد. البته بایستی پذیرفت که اگر نیرویی بخواهد در نوک پیکان رهبری قرار گیرد و ستمدیدگان را راهبر باشد بایستی خود را از قیودی که منجر به تبعیض می شوند رها سازد. و به جاست که در این جا به کلیه آنهايي که دست اندر کار انقلاب درونی هستند تریک گفت و از آنها درس آموخت. ولی در عین حال باید پرسید که اگر یک نیروی انقلابی و مبارز این همه زمان لازم دارد که خود را از قیود جنسیت خلاص کند، خلق چقدر وقت می خواهد؟ و "دوران کوتاه" چه مدتی باید باشد؟

تبعیض مثبت، آن طور که در اوایل دهه ۱۹۸۰ در کشورهای غربی به خصوص در میان گروههای آلتراچپ مد شده بود و حال یواش یواش به دست فراموشی سپرده می شود، شامل همه آنهايي می شد که به نحوی مورد ظلم قرار گرفته بودند. مانند سیاهپوستان، زردپوستان، سرخپوستان، هم جنس گرایان، ناتوانان جسمی، و غیره. پس هر کس که هم جنس گرای ناتوان سیاهپوست بود شاننش از همه بیشتر بود که مثلاً شغلی به او واگذار شود.

اگر بخواهیم این مبحث را در مورد تبعیض مثبت در استخدام یک زن به مقامی دولتی تعمیم دهیم بایستی بگوییم زنی که اهل کردستان است حق بیبشتری از یک زن فارس دارد، چرا که کردها ستم مضاعف دیده اند و زن کرد ستمی چند برابر بیشتر از زن فارس. حداقل زن فارس امکان رشد و آموزش و غیره را داشته است، که صد البته چنین امکانی برای آن زن کرد هرگز مهیا نشده است و یا آن که وزیر اقتصاد تا مدتی بودجه ای برای دیگر شهرهای ایران تعیین نکند و کلیه درآمد را برای آبادانی کردستان به کار گیرد. در این صورت توانمندی و مسئولیت پذیری در مقابل نوع جنسیت رنگ می یازد و دموکراسی و زندگی در پناه قانون برای همیشه فدا می شود.

به طور حتم اندیشمندان و رفقا آگاه هستند که رد نظام بر پایه تز "تبعیض مثبت" برابر با رد حرکت ضد استعماری زن نیست. زن و یا مردی که وابستگی تشکیلاتی و ایدئولوژیکی ندارد، راه و روش خود را با در نظر گرفتن دو پارامتر انتخاب میکند، اول نوع حکومت و درجه آزادی در جامعه، و دوم دنباله روی از نیروی پیشستاز و این که او چه می گوید و چه می کند. ولی در کلیت بایستی بپذیریم که زن به هر جهت آزاد است، فقط لازم است که خودش بداند. این دانستن برابر با آن انقلاب ایدئولوژیکی درونی آن زن است. ولی اگر منظور ما از آزادی زن، شناخت حقوق مدنی زن است، که در آن صورت دیگر احتیاجی به تبعیض نیست. بلکه تنها شرط لازم و کافی، ایجاد نظام دموکراسی در سایه قانون برای همه است. در آن زمان است که زن و یا مرد ستمدیده به مرجع قانونی پناه برده و حق خود را خواهد گرفت.

اگر تعدد زوجات، تحت هر شرطی غیر قانونی باشد، اگر استخدام کارگر (چه دختر و چه پسر) زیر سن قانونی، غیر قانونی باشد، اگر قانون حداقل دستمزد تصویب شود، اگر اسلام در قانون اساسی نقشی نداشته باشد و ما از قوانین اسلامی برای قانون مدنی وحی نگیریم، اگر به این تز معتقد باشیم که همه در برابر قانون برابر هستند، و اگر رفاه اجتماعی هدف این قانون اساسی باشد، هیچ مردی ظالم نمی شود و هیچ زنی نخواهد بود که به حقوق خود واقف نگردد. و مهمتر آن که هیچ حزب سیاسی به خود اجازه نخواهد داد که برای پیشبرد اهداف خود از دین و نام پیامبران، از تاریخ ۲۵۰۰ ساله، از نام کارگر و یا هر ترفند دیگری سوء استفاده کند. برای به ثمر رسیدن چنین هدفی، شورا بایستی به همه بیاموزاند، و خود نیز عمل کند که هیچ چیز بالاتر از قانون نیست. دقیقاً به خاطر همین مطلب بود که اکثر اعضای شورا به قانون اساسی رژیم رای ندادند. چرا که اگر رای دادند بایستی از آن، تا زمانی که رژیم دست به اسلحه نبرده بود، تبعیت بکنند.

به قول منصور امان (نبرد خلق، شماره ۱۳۳ صفحه ۱۰) "ما از یک دموکراسی تعمیم یافته، نهادهای شده سخن می گوئیم. تغییرات جزئی به جای خود، حتی یک دگرگونی از بالا هم نمی تواند فی نفسه به تامین پایدار دموکراسی بیانجامد. تنها زمانی که نهادهای اجتماعی افراد جداگانه (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، ورزشی، علمی، ملی و...) بتوانند به وجود بیایند و خود نگهبان آزادیشان باشند، می توان از ریشه گرفتن دموکراسی در یک اجتماع سخن گفت."

قوانین ازدواج و تعدد زوجات در ادیان مختلف

از صفحه ۹

در کتاب Daughters of the king by Grossman & Haut صفحه ۶۰ آمده که: "این همیشه به طور وضوح توضیح داده شده که زن نمی تواند به مردی که در طبقه خودش قرار دارد تحکم کند. یک زن نجیب زاده نمی تواند با مردی از طبقه پایین از خودش ازدواج کند چرا که در قانون طبقاتی آن زن بالاتر از آن مرد قرار دارد و چون برتر از اوست نمی تواند زن مناسبی برای ازدواج باشد!! اگر چنین ازدواجی صورت بگیرد، آن زن از نظر قانون وجهه و آبرویش را از دست داده است. اما ازدواج عکس آن (مرد از طبقه بالا و زن پایین) قابل قبول است!! در تورات فصل (سفر لاویان ۱۴، ۲۰) آمده که اگر مردی با زنی و مادر آن زن ازدواج کند هر سه باید برای این کار شرم آور به حد مرگ سوزانده شوند و در قسمت ۱۷ آمده که اگر مردی با خواهر و یا خواهر رضاعی اش ازدواج کند، باید در ملاء عام بی آبرو گشته و از اجتماع بیرون رانده شوند. در این مذهب ازدواج با غیر کلیمها مردود شناخته شده است.

در دین زرتشت مسئله ازدواج مهم تلقی شده و در کتاب (Persian Mythology by John Hinnels) صفحه ۶۳، نوشته شده که، تجرد در دین زرتشت تقوی نیست و برعکس چون خلقت خداوند باید ادامه داشته باشد، ازدواج و تولید مثل تشویق شده است. پس مرد یک وظیفه مذهبی در قبال ازدواج و تشکیل خانواده دارد. در مراسم ازدواج پشت عروس و داماد دو یا سه زن از هر قایل و دو مرد به عنوان شاهد میایستند و موید آنها را به عقد هم درمی آورد. در کتاب زرتشتیان نوشته مری بویس (Zoroastrians by Mary Boyce) صفحه ۳۱ آمده است که، ازدواج برای یک موید زرتشتی اجباری است و خود پیغمبر زرتشت سه بار ازدواج کرده است. اسم دو زن اولش نوشته نشده ولی از آنها سه دختر و سه پسر دارد. ازدواج جوانترین دخترش یوروجیستا در یکی از گاتاها گرفته شده و همسرش جماسپ بوده که مشاور اولیه و یشتاسپا بوده که مظهر خود بوده است. در این جا زرتشت با دختر فرسترا (Frashaostra) به نام هووی (Havovi) ازدواج می کند که از این ازدواج بچه ای به دنیا نمی آورد. به نظر می آید که تعدد زوجات فقط در صورت نازا بودن زن انجام می گرفت (صفحه ۱۹۳ کتاب زرتشتیان مری بویس).

در کتاب فلسفه زرتشت صفحه ۵۹ به نقل از گاتها، یسنا ۵۳ آمده که زرتشت زن و مرد را هنگام اختب یار همسر در سطحی برابر قرار می دهد. او به دختران و پسران اندرز می دهد که پس از بستن پیمان زناشویی با خرد خود رای زنی نمایند و به مهر دل گوش دهند و همسری را برگزینند که در پیشبرد راستی و اشا با آنان همگام باشند. در این مذهب هم، ازدواج با غیر زرتشتیها مردود شناخته شده و تشویق نشده است. در مسیحیت قوانین بسیاری نیامده ولی در قسمت هیبرو کتاب انجیل (Hebrew 13:14 of Bible) گفته شده که "ازدواج بسیار محترم است ولی زناکاران و بدکاران پیش خدا محاکمه می شوند". در مسیحیت تعدد زوجات ممنوع و یک زن گرفتن تاکید شده است. در این مذهب مانعیتی از ازدواج با غیر مسیحیان نشده است. در

انجیل قسمت (1 Comithians 7: 2-6) می گوید به خاطر جلوگیری از فساد هر مرد باید یک زن و هر زن باید یک شوهر داشته باشد. یک مرد باید وظیفه شوهری خود را ادا کند و یک زن هم باید وظیفه همسری را ادا کند و هر دو باید احتیاجات یکدیگر را برآورده کنند. هم چنین آمده که یک زن حاکم بدنش نیست و این شوهرش است که حاکم بدن زنش می باشد. در عین حال یک شوهر هم حاکم بدنش نیست و این زن است که حاکم بدن شوهرش می باشد. در قسمت (I Comithians 7: 25-29) در مورد افراد مجرد و یا باکره نوشته شده که، "من دستوری از خدا ندارم ولی عقیده شخصی ام را می گویم. در موقعیت درهم و برهم اجتماعی بهتر است هر کس همان طور که هست بماند. اگر زن دارید طلاقش ندهید و اگر مجرد هستید دنبال زن گرفتن نروید، ولی اگر ازدواج کنید گناهی مرتکب نشده اید و اگر زن مجردی ازدواج کند گناهی نکرده است، ولی ترجیح می دهم گرفتاریهایی که مزدوجین دارند را شما نداشته باشید". (جای دیگر (Comithians 7: 32-35) حضرت مسیح در انجیل می گوید: "من می خواهم شما از نگرانیها به دور باشید. یک مرد مجرد وقت خود را وقف خدا می کند ولی یک مرد مزدوج با امور دنیوی مشغول است چرا که می خواهد زنش را راضی نگهدارد و به دو طرف کشیده می شود. زن مجرد و یا باکره بیشتر وقت خود را وقف خدا می کند چرا که می خواهد با روح و جسم خود وقف خدا باشد ولی یک زن مزدوج با دنیای مشغول است، چرا که می خواهد شوهرش را راضی نگهدارد". در (Ephesians 5: 21-29) آمده است که زن و شوهر باید یکدیگر را اطاعت کنند و با یکدیگر متحد شوند. در (Colossians 3: 18-19) تاکید شده که مردان با زنان خشونت نکنند و زنها از شوهران اطاعت کنند.

در اسلام ازدواج تشویق شده به خصوص برای کمک به زنانی که شوهرانشان را در جنگ از دست داده اند. در قرآن، در سوره النساء آیه ۴ آمده است که به این زنان مهریه و هدیه های مجانی بدهید ولی اگر خودشان به میل خودشان مقداری را به شما دادند اشکالی ندارد.^(۱) در جای دیگر در سوره النساء آیه ۲۰ آمده است که "اگر تصمیم گرفتید که زنی را جایگزین زن دیگر کنید حتی یک ذره مهریه یا هدیه ها را پس نگیرید. در آیه ۲۲ همین سوره لیست زنانی که ازدواج با آنها حرام است به شرح زیر ذکر شده است:

زن پدر، مادر، دخترها، خواهرها، خواهرهای پدر، خواهرهای مادر، دخترهای برادر، دخترهای خواهر، مادرهای رضاعی، خواهران رضاعی، دختر خوانده ها، زنهای پسرانقتان، دو خواهر هم زمان، و زنان شوهردار.

سوره النساء آیه ۱۲۸ و ۱۲۹ دوباره تکرار شده که بین چند زن نمی توان عدالت کامل را رعایت کرد و بهتر است با یکی باشید و دوستانه یا جدا شوید و بین زمین و هوا نگذاریدشان و با تعام به نتیجه برسید. در آیه ۱۲۸ گفته شده که اگر زنی از بی عدالتی شوهرش می ترسد هیچ اشکالی ندارد که به یک راه حل دوستانه برسند و گرچه ممکنست مردان در قسمت اقتصادی مسئله خست به خرج دهند ولی اگر به خوبی و درستی رفتار شود در نزد خدا بهتر است.

در سوره النور آیه ۳ گفته شده که مردان زناکار با هیچ زنی به جز با زنان بدکاره و یا زناکار و غیر

مؤمنین اجازه ازدواج ندارند. اگر علیه زنی اتهام بدکاری زده شده باید ۴ شاهد داشته باشند و گرنه باید به آنها ۸۰ ضربه زد و حرفشان را بیهوده انگاشت چرا که آن مردان از جمله فاسقان هستند. مگر آن که پوزش بطلبند که به زنی تهمت زده اند و همین طور که بر همسران خود اتهام بزنند ولی مدرکی نداشته باشند باید چهار بار قسم بخورند که راست می گویند. در سوره النور آیه ۳۲ توصیه شده که با زنان مجرد ازدواج کنند و اگر خدمتکارانی فقیر هستند از آنان دستگیری کنند و اگر برای مهریه پول ندارند صبر کنند تا وضعشان بهتر شود و بعد اقدام کنند. در اسلام ازدواج با غیر مسلمان مردود شناخته شده و تشویق به مسلمان کردن زن غیر مسلمان قبل از ازدواج با او شده است. (سوره البقره آیه ۲۲۱) در مورد تعدد زوجات سوره النساء آیه ۳ آمده: "اگر احساس می کنید که با یتیمان نمی توانید عادلانه رفتار کنید، پس فقط یک زن بگیرید که این کار مناسب تر است و شما را از ظلم و بی عدالتی دور می کند".

بنابراین در اسلام یک زن تشویق شده ولی در شرایط استثنایی و جنگ داشتن حداکثر چهار زن مجاز شناخته شده است. در هیچ سوره و آیه قرآن مبحث صیغه نیامده است.

در اعتقاد بهایی در مورد ازدواج در کتاب اقدس صفحه ۴۲ و قسمت ۶۲ حضرت بهاءالله می گوید: "خداوند ازدواج را برای شما تاکید نموده است. ملتفت باشید که بیشتر از دو زن نگیرید. کسی که خود را با یک همسر از بین خدمتکاران خدا اغنا می کند، هر دو در اعتدال زندگی می کنند". بدین ترتیب تعدد زوجات تجویز نشده ولی تا دو زن مجاز شناخته شده است.

در صفحه ۱۴۸ کتاب اقدس مسئله ازدواج بدین ترتیب مطرح شده است:

- بر ازدواج بسیار تاکید شده ولی اجباری نیست.
- تعدد زوجات ممنوع است.
- ازدواج با شرط بالغ بودن طرفین که به سن قانونی ۱۵ سال رسیده باشند مجاز است.
- ازدواج با رضایت هر دو طرف و والدینشان انجام می گیرد. چه زن باکره باشد و چه نباشد.
- بر هر دو واجب است که ابراز رضایت از میل خداوند بکنند
- ازدواج با زن پدر ممنوع است.
- همه مسائل مربوط به ازدواج باید با بیت العدل در میان گذاشته شود.
- ازدواج با غیر بهاییها مردود نیست.

ملاحظه می شود که زنان راه درازی را پیموده اند و از ایران باستان تاکنون قوانین و قواعد عجیب و بی شماری برای وضع شده است. اکنون مسئله ازدواج گرچه به صورت یک رسم متداول است ولی شاید به دلیل اقتصادی تعدد زوجات بسیار کمتر و در بعضی کشورها غیر قانونی گشته است و ازدواج با بیگانگان متداولتر و فقط بین قشریون دست راستی و مذهبیون افراطی است که ازدواج داخل هر مذهب ترویج می شود. بحث و روشنگری پیرامون این قوانین کمک می کند تا بتوانیم قوانین ظالمانه در مورد زنان را به سود برابری زن و مرد تعویض نماییم.

زیرنویس

(۱) - در زمانی که این سوره آمده به علت جنگ احد تعداد بیوه ها که شوهرانشان در جنگ کشته شده و یا یتیمان بسیار زیاد بود و برای حمایت از آنها تشویق به ازدواج با آنها می شده است

هلند —

جلوگیری از اخراج دو پناهجو

با تلاش و حمایت‌های انجمن دموکراتیک پناهندگان سیاسی در اتریش، انجمن فرهنگی نبرد در هلند و سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران دادگستری هلند ضمن خودداری از اخراج آقای مسعود مهدی پور و همسرش با رسیدگی مجدد به پرونده پناهندگی آنها موافقت نمود. نامبردگان در ماه آوریل با حکم اخراج دادگستری مواجه و پس از ۳ ماه تلاش، دو هفته قبل مجدداً پرونده پناهندگی خود را شروع نمود.

اخراج یک پناهجوی ایرانی از هلند به آلمان

یک پناهجوی ایرانی به نام امیرهاشم خسروانی که مدتها در کمپ پناهندگی در هلند ساکن بوده، ماه گذشته از سوی دادگستری هلند به آلمان اخراج شد. وی در حال حاضر در زندان پلیس آلمان به سر می‌برد و با خطر اخراج به ایران مواجه است.

انعکاس وضعیت پناهندگان در مطبوعات هلند

سبزه‌های چپ درخواست توقف اخراج ایرانیان را نمودند

از ماه ژوئن تاکنون ۶ ایرانی اخراج شده اند

منبع: نشریه PZC مورخ ۱۹ ژوئیه ۹۶
به گفته سخنگوی دادگستری از ماه گذشته تاکنون ۵ ایرانی به کشورشان اخراج شده اند. نفر ششم (پیمان صالحی) بعد از ظهر ۵شنبه ۱۸ ژوئیه با هواپیما به تهران برگردانده شد. اخراج این ایرانی با اعتراض ایرانی‌های مستقر در سالن فرودگاه هم زمان شد.

از ماه ژانویه ۹۵ تصمیم گرفته شد ایرانیان پناهجو به کشورشان بازگردانده شوند. رای دادگاه دوم نوامبر بر این موضوع صحه گذاشت.
به گفته سخنگوی دادگستری از ژانویه ۹۵ تا کنون ۱۰۰ ایرانی بازگردانده شده اند. سخنگوی اداره VVN از این موضوع متحیر است. وی می‌گوید ما گمان می‌کردیم پناهجوی اخراجی در پنجشنبه (پیمان صالحی) اولین پناهجوی اخراجی می‌باشد. گفتگو در باره وضعیت ایرانیان هنوز تمام نشده زیرا گزارش وزارت امور خارجه آشکارا تناقضهایی با گزارش عفو بین الملل در مورد ایران دارد. حزب سبزه‌های چپ ضمن تقاضای توضیحات بیشتر از خانم SCHMITZ و VAN MIRLO خواهان توقف اخراج ایرانیان شد.

روزنامه Trouw، ۱۸ ژوئیه ۹۶
دادگستری اخراج پناهجویانی که پروسه پناهندگی آنان تمام شده را شروع کرده است. امروز بعد از ظهر یک ایرانی با هواپیما به تهران فرستاده می‌شود. گفته می‌شود ۱۷ ایرانی دیگر در نوبت اخراج به سر می‌برند. عفو بین المللی می‌گوید ما مذاکراتی را با آقای Vanmirlo شروع نموده ایم که هنوز تمام نشده است. بنابراین اگر بخواهند ایرانی‌ها را تا قبل از اتمام این مذاکرات اخراج کنند عملی غیر انسانی است.

پناهندگی از جمله عوارض عصبی و رشد بیماریها پرداخت. در این راهپیمایی که بیش از ۳۵۰۰ تن از پناهجویان از کلیه ملیتها شرکت داشتند، پناهجویان ایرانی نیز به اعتراض نسبت به طرح اخراج ایرانیان پرداختند. انجمن فرهنگی نبرد با ارسال پیام و شرکت در مراسم اعلام همبستگی نمود.

مراسم تدفین امیر صالحی یک پناهجوی ایرانی در تاریخ ۶ ژوئن در شهر لاهه با حضور تعداد زیادی از پناهجویان و مردم هلند صورت گرفت. پناهجوی مذکور ۲ ماه قبل در اعتراض به حکم اخراج دریافتی از دادگستری هلند دست به خودسوزی زد که متأسفانه بر اثر شدت جراحات وارده جان خود را از دست داد.

پناهجویان ایرانی در شهر Nijmegen با یک راهپیمایی در اعتراض به اخراج پناهجویان ایرانی مردم شهر را تحت تاثیر خود قرار دادند. در این حرکت اعتراضی ایرانی‌ها با پوشیدن لباس سفید و نوشتن شعارهایی به زبانهای مختلف همبستگی خود را در اعتراض علیه سیاست اخراج و وضعیت وخیم حقوق بشر در ایران به نمایش گذاشتند.

روز پنجشنبه ۱۸ ژوئیه دادگستری هلند یک پناهجوی ایرانی به نام پیمان صالحی را از طریق فرودگاه بین المللی آمستردام به ایران اخراج نمودند. این پناهجو بیش از یک سال در کمپ AZC AALTEN اقامت داشته است.

انجمن فرهنگی نبرد در هلند در اعتراض به سیاست ضد پناهندگی دولت هلند و ادامه فعالیت‌هایش در این زمینه مبادرت به تهیه نقدی به گزارش وزارت امور خارجه هلند نموده است. در این گزارش به سراب حقوق بشر در ایران و کلیه موارد مطروحه در گزارش وزارت امور خارجه هلند که معتقد بود ایرانیان پناهجو را نمی‌توان بدون این که خطری متوجه آنها باشد بازگردان، پاسخی حقوقی و منطبق با قوانین بین المللی داده شده است.

پناهجویان ایرانی یک صدا به سیاست دادگستری هلند اعتراض نمودند

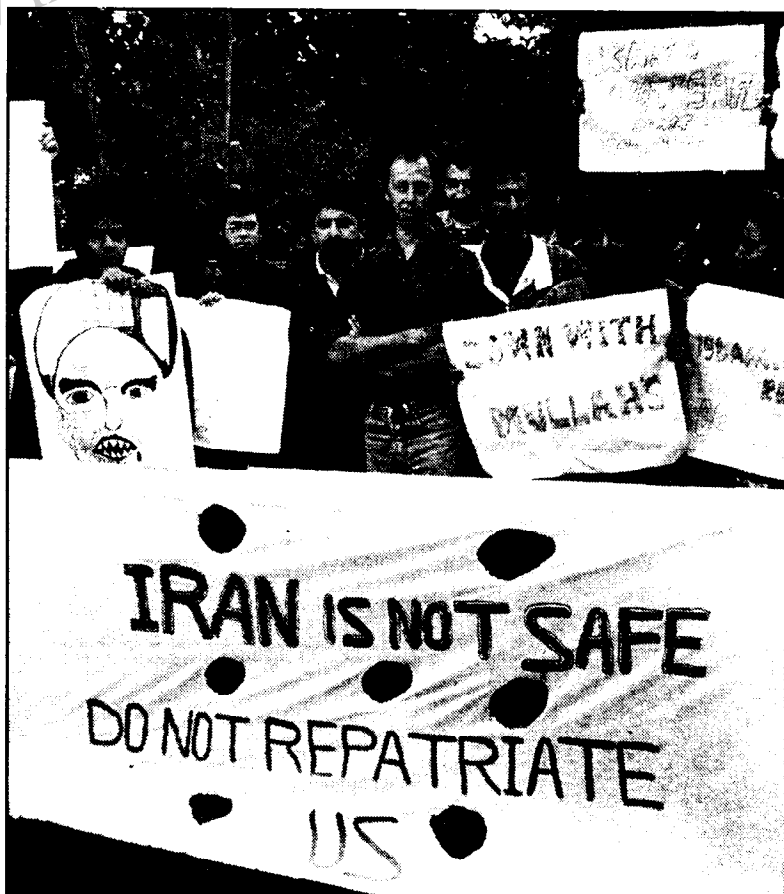
گزارش از: جعفر پویه

با گذشت بیش از ۲ ماه از اعلام سیاست دادگستری هلند مبنی بر امکان بازگرداندن پناهجویان بدون هیچ خطری موج اعتراض نسبت به این تصمیم همچنان ادامه دارد.

پناهجویان ایرانی کمپ Veendam در تاریخ ۲۲ ژوئن از مرکز پناهندگی تا مرکز شهر راهپیمایی اعتراضی نمودند. در این حرکت که از حمایت تعدادی از پناهجویان از ملیتهای دیگر و مردم هلند برخوردار بود اطلاعیه‌هایی به زبان هلندی در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران و خطری که پناهجویان را در صورت بازگشت تهدید می‌کند پخش گردید.

در کمپ Zeewolde پناهجویان از تاریخ ۱۷ ژوئن به مدت ۳ روز مبادرت به تحصن و تجمع در جلوی محوطه اداره کمپ نمودند. آنها با نصب پلاکاردهایی مبنی بر امن نبودن و شرایط وخیم حقوق بشر در ایران نسبت به سیاست اخراج اعتراض نمودند. این تجمع در مطبوعات محلی انعکاس وسیعی یافت.

از سوی اداره Vluchteling Werk (V.V.N) حمایت از پناهجویان در هلند) در ادامه اعتراض به اقامت طولانی مدت در کمپها یک راهپیمایی اعتراضی در شهر لاهه صورت گرفت. اداره V.V.N از مدتها قبل با تهیه کتابی به نام "کتاب سیاه" با همکاری سازمان پزشکی فاروس به تشریح عواقب اقامت طولانی بیش از ۶ ماه در مراکز



De tekst „Iran is not safe. Do not repatriate us” spreekt boekdelen. (Fotobureau Ter Haar).

دیدار با آقای کاپیتورن

روز ۱۷ تیر امسال، رضا الموتی از طرف سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و همینه کیانوش مسئول کمیته دفاع از پناهنده مبارز با آقای موریس کاپیتورن ملاقات نمودند. در این ملاقات رفیق رضا الموتی، از این که گزارشگر ویژه ملل متحد نتوانست جلوی اعدام فدایی شهید احمد باختری را بگیرد اظهار تأسف نمود و اعلام کرد که برای جلوگیری از شدت سرکوب، اختناق، شکنجه و اعدام در ایران باید در مقابل رژیم ایران سیاستی قاطع اتخاذ نمود. در این دیدار مسئول کمیته دفاع از پناهنده مبارز اظهار امیدواری کرد که گزارش بعدی آقای کاپیتورن، حقایق موجود در ایران را به نحو صریح منعکس نماید. رضا الموتی به دیپورت پناهجویان ایرانی در کشورهای مختلف اشاره کرد و خواستار رسیدگی و مداخله جدی آقای کاپیتورن شد. نماینده سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در این دیدار از گزارشگر ویژه ملل متحد خواست تا گزارش دوم ایشان در بر گیرنده تمام حقایق باشد تا مورد سوء استفاده کشورهای پناهنده پذیر برای اخراج پناهجویان ایرانی نشود. در پایان رضا الموتی ضمن ارائه لیست ایرانیانی که طی سال ۱۹۹۶ به وسیله رژیم در خارج از کشور ترور شده اند، مدارک متعددی مبنی بر سرکوب، ترور، شکنجه و اعدام توسط رژیم ایران را به آقای کاپیتورن تحویل داد.

گردهمایی حمایت از پناهجویان ایرانی در ترکیه، هلند، سوئد، کانادا و ژاپن

روز یکشنبه ۷ ژوئیه، یک گردهمایی به وسیله سازمان پناهندگان ایرانی - بی سی در ونکوور کانادا با حضور آقای موریس کاپیتورن برگزار شد. در ابتدای جلسه آقای قوامی مسئول سازمان پناهندگان ایرانی - بی سی ضمن اشاره به سرکوب و اختناق در ایران از حضار خواست تا سؤالات خود را با آقای کاپیتورن مطرح کنند. آقای کاپیتورن آمادگی خود را برای استماع حرفهای ایرانیان اعلام کرد. او در پاسخ به سؤال یک ایرانی در مورد گزارش اول خود گفت که این گزارش مقدمه ای بیش نبوده و من در آینده گزارش کاملتری ارائه خواهم داد. در پاسخ به سؤال دیگر در مورد خطر دیپورت پناهجویان ایرانی، آقای کاپیتورن گفت من در مصاحبه با خبرنگارها و مطبوعات گفته ام که گزارش من نباید مورد استفاده برای دیپورت پناهجویان ایرانی قرار گیرد. در این جلسه خانمی که از نزدیک شاهد رنج و مصیبت ایرانیان پناهجو در ژاپن بوده، تجربیات خود را در اختیار حضار جلسه قرار داد. ایرانی دیگری که به تازگی از کمیتهای هلند خارج شده و خود را به کانادا رسانده، اوضاع اسفناک کمیتهای پناهندگی در هلند را تشریح نمود. کمیته دفاع از پناهنده مبارز، گزارشگران رادیو ارس و منجمله از فعالین سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در این جلسه شرکت کرده و از این اقدام سازمان پناهندگان ایرانی - بی سی حمایت و استقبال نمودند.

سراب حقوق بشر در ایران

نقد گزارش وزارت امور خارجه هلند در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران

از انتشارات انجمن فرهنگی نبرد - هلند

هموطنان مقیم هلند

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در اعتراض به سیاست دولت هلند در قبال پناهجویان ایرانی، با ارسال یک نامه برای فرانسویونهای احزاب مختلف در پارلمان هلند، از آنها درخواست نموده با توجه به وضعیت وخیم حقوق بشر در ایران، اجازه ندهند که جان پناهجویان ایرانی با اخراج در معرض خطر قرار گیرد.

متن نامه ارسال به این شرح است:

از مدتها پیش دادگستری کشور شما طرح و عدم اعطای پناهندگی به ایرانیان اخراج آنها را در دست بررسی داشت که در مواردی منجر به رد بی پایه و دلیل پرونده های پناهندگی و صدور حکم اخراج پناهجویان ایرانی شده است. هم چنین وزارت خارجه هلند طی ماه گذشته با استناد به مواردی غیر واقعی، وضعیت حقوق بشر در ایران را مثبت جلوه داده، تا براساس آن دولت هلند بتواند پناهجویان ایرانی را به ایران بازگرداند.

نظر به این که:

- رژیم ایران از سوی مجامع بین المللی به جهت نقض حقوق بشر بارها محکوم شده و نماینده کشور شما نیز همواره به این محکومیتها رای مثبت داده است؛
- اعدامهای غیر قانونی فعالین سیاسی و شهروندان ایرانی به اتهامهای واهی، مجازاتها و احکام قرون وسطایی و سرکوب زنان در ایران همچنان ادامه دارد؛

- تبعیض و سرکوب در مورد اقلیتهای مذهبی، ملی و قومی کمکان در ایران وجود دارد؛

- رژیم ایران به هیچ یک از معاهدات بین المللی پای بند نبوده و کمکان به سیاستها و اعمال تروریستی خود در نقاط مختلف جهان ادامه می دهد؛

از این روطر هرگونه نظریه ای مبنی بر بهبود وضع حقوق بشر در ایران سزایی بیش نبوده و بازگرداندن پناهجویان به ایران سبب خدشه دار شدن حیثیت سیاسی و انسانی کشور شما خواهد شد. ما از شما می خواهیم با برخوردی اصولی و منطبق با موازین انسانی و بین المللی اجازه ندهید جان ایرانیان پناهجو با بازگرداندن اجباری آنان در خطر قرار گیرد. ما از شما درخواست می کنیم از دادگستری هلند بخواهید تا زمانی که رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی در ایران حاکم است هموطنان ما را به عنوان پناهنده و میهمان مردم هلند بپذیرد.

به پیوست اسنادی در خصوص موارد نقض حقوق بشر در ایران مربوط به ماههای اخیر ارسال می گردد.

۳۰/خرداد ۷۵

ترکیه

رادیو اسرائیل ۸/تیر/۷۵: "سازمانهای ایرانی حقوق بشر خیر دادند که پلیس ترکیه شب گذشته به محل تحصن پناهجویان ایرانی در دفتر حزب سوسیالیست ترکیه وارد شد و بیش از ۶۰ پناهجوی ایرانی را به امنیت سرای آنکارا انتقال دادند. از دو روز پیش از این انتقال، برق و تلفن محل تحصن قطع شده بود. این پناهجویان که شماری زن و کودک نیز در میان آنان می باشند، از حدود یک سال پیش در این محل بست نشسته بودند، زیرا اعلام گردید که تقاضای پناهندگی آنان پذیرفته نشده و دولت ترکیه قصد دارد آنان را به ایران بازگرداند. در روزهای اخیر خبر رسید که چند تن از پناهجویان ایرانی و از جمله کریم شهر آشوب به ایران تحویل داده شده است. سازمانهای ایرانی حمایت از پناهجویان از همه بشردوستان جهان برای دفاع از پناهجویان ایرانی کمک خواستند."

فشار دولت سوئد بر پناهندگان ایرانی

روزنامه سوئدی سونسکاداگ بلادت ۶/تیر/۷۵: "شورای مسیحیان سوئد به تغییر مواردی که از طرف "پیشروی" (از مسئولان عالیرتبه وزارت امور خارجه) در قانون پناهندگی پیشنهاد گردیده، با دید مثبت می نگرد. این شورا موافق این است که پرونده پناهندگانی که به مسیحیت گرویده اند، مجددا مورد بررسی قرار گیرد. بنا بر گزارش کمیته امور مهاجرین، در ایران با کسانی که به مسیحیت گرویده اند، بدرفتاری نخواهد شد. ولی بنا به تحقیقات عفو بین الملل و وزارت امور خارجه آمریکا و کلیسای مسیحیان در ایران، با کسانی که به مسیحیت بگروند بدرفتاری می شود. مردها به زندان انداخته شده و در صورتی که مجدداً به اسلام روی آورند، آزاد می شوند در غیر این صورت اعدام می گردند. زنان نیز زندانی می شوند و در صورتی که با اسلام نگرند تا زمانی که بگریزند در زندان باقی خواهند ماند. دولت (سوئد) به مسئولان کلیسا که این افراد را از اسلام به مسیحیت تغییر دین می دهند، هشدار داده است که مادمی که نتیجه اقامت آنها مشخص نشده، آنها را غسل ندهند و به عنوان مسیحی معرفی نکنند."

رادیو پژواک ۸/تیر/۷۵: "از اوائل سال جاری میلادی در سوئد اجازه اقامت ۴۰ خانواده و ۱۵ فرد مجرد مهاجر به دلیل این که اجازه اقامت خود را در سوئد بر پایه اطلاعات نادرست دریافت کرده اند، توسط مقامهای امور مهاجران لغو شده است. به گزارش خبرگزاری سوئد نزدیک به ۷۰۰ پرونده در این زمینه مورد رسیدگی است که تاکنون ثابت شده است که ۱۴۰ مورد صدور اجازه اقامت بر پایه اطلاعات نادرستی بوده است که از طرف پناهجویان ارائه شده است."

رادیو پژواک ۱۳/تیر/۷۴: "براساس تصمیم کمیته امور اتباع بیگانه یک زن ایرانی که از ۲۱ سال پیش به این سو به مسیحیت گرویده است به اتفاق پسرش هفته آینده از سوئد اخراج خواهد شد. تصمیم به اخراج این زن ایرانی و فرزندش موجهی از اعتراض را باعث شده است از جمله اینگرید فالک از سازمان عفو بین الملل و پرفسور یان پریه اسلام شناس معروف ضمن ارسال نامه به کمیته امور اتباع بیگانه تصمیم کمیته را غلط و خطرناک خواندند."

- کانون زندانیان سیاسی در سوئد در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۶، طی اطلاعیه ای اقداماتی که علیه سیاست جدید دولت سوئد انجام داده را به اطلاع عموم رسانده است. در این اطلاعیه اعلام شده که: "اکسیون اعتراضی به مدت سه روز از یازدهم تا سیزدهم ماه ژوئیه در مرکز شهر استکهلم برگزار نمود. این اکسیون تحت عنوان "اعدام و شکنجه زندانیان و فعالین سیاسی در ایران را متوقف کنید" برگزار شده و در ساعت ۴ روز شنبه ۱۳ ژوئیه با اجرای موزیک زنده به کار خود پایان داد.

درگذشت یک پناهجوی ایرانی

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در تاریخ ۱۴/تیر/۱۳۷۵ با اظهار تأسف از درگذشت آقای امیر صالحی، پناهجوی ایرانی در هلند که دو ماه قبل در اعتراض به سیاست فعلی دولت هلند دست به خودسوزی زد، پیامی برای احزاب کمونیست، سبزه‌های چپ و سوسیالیست هلند ارسال نمود. در این پیام ضمن ابراز نگرانی از فقدان امنیت برای پناهجویان ایرانی، نسبت به سیاست سختگیرانه دولت هلند در مورد ایرانیان پناهجو اعتراض نمود.

یک نامه اعتراضی

مشاهده خبر "کنسرت شهرام ناظری در لندن" در نشریه شماره ۱۳۳ باعث شوک و تمجیب بنده شد!

به نظر من این که کنسرت ناظری با استقبال یا عدم استقبال مواجه شده باشد اصلاً مسئله روز مقاومت ما نیست. چون وقتی ایشان در خارج از مرزهای ایران کنسرت اجرا می کند و دوباره به کشور ایران برمی گردد این هنر خواه نا خواه در خدمت رژیم آخوندی است و آخوندهای ضد هنر فریاد سر می دهند ما هنر دوست!! هستیم و حتی خوانندگان را به اروپا می فرستیم برای اجرای برنامه.

هنوز مدت زیادی از بسته شدن کلیه کلاسهای آموزش موسیقی و فتوای غیر قانونی بودن آموزش آلات موسیقی توسط خامنه ای نگذشته است. رژیمی که هیچ صدا و نغمه مخالفی را تحمل نمی کند وقتی احساس می کند که در عرصه سیاست بین المللی می تواند سودی به جیب بریزد دست به هر کاری می زند.

پارسال خانم پریسا در تمام کشورهای اروپایی برنامه هنری اجرا کرد در این برنامه ها ایشان بدون حجاب بودند آقایان هم در برنامه حضور داشتند و حتی مشروبات الکلی هم در بار محل برنامه فروخته می شد! (لااقل در لندن که بنده اطلاع دارم) در حالی که همین پریسا وقتی در تهران هست برنامه اش باید صد در صد مختص به "خواهران!" باشد و هیچ مرد نامحرمی صدای ایشان را نشنود. مصرف مشروبات الکلی هم که در حاکمیت تحت ملاها حساب جداگانه ای دارد.

وقتی خانم پریسا به ایران بازگشت با هیچ مشکلی روبرو نشد و رژیم عملاً به روی خودش نیاورد که این خانم "مورد منکراتی" دارد! فراموش نکنیم که اگر شخصی یا گروهی فرستگها دورتر از خاک ایران برخلاف سلیقه آخوندها عمل نماید با جوخه های ترور روبرو خواهد بود. پس نتیجه می گیریم که این قضیه فرستادن خوانندگان به اروپا باید صد در صد به نفع رژیم ولایت فقیه باشد و گرنه که هرگز چنین اجازه ای به آنها نمی داد. راستی اگر پریسا فردا در تهران چنین کنسرتی بر پا کند با چه سرنوشتی روبرو خواهد شد؟ از این گذشته جمعیت قابل توجهی از شرکت کنندگان این قبیل کنسرتها "بی آزار" را عوامل و وابستگان جاسوخانه های رژیم تشکیل می دهند.

"فروغ فرخزاد" در باره هنر میگوید: همه آنهایی که کار هنری می کنند علتش یا لاقبل یکی از علتهاش یک جور نیاز ناآگاهانه است به مقابله و ایستادگی در برابر زوال. اینها آدمهایی هستند که زندگی را بیشتر دوست دارند و می فهمند.

هنرمندانی که در سخت ترین و سیاهترین دوران تاریخ ملت ایران، صدای رسای ملت در بند خود نیستند چه نوع "هنر"ی را عرضه می کنند؟ خوشبختانه الگوی خانم مرضیه که با شجاعت و بی باکی بی نظیر در سن ۷۰ سالگی به مقاومت پیوست در پیش روی همه هنرمندان است. اگر عده ای پس از فرار از ایران تحت حاکمیت ملاهای ضد هنر به اروپا آمده اند و به سرعت فراموش کرده اند که رژیم هنردوست!! ایران چه بلایی بر سر هنرمندان واقعی آورده است و حالا فرهنگ "هنر در خدمت هنر" را تبلیغ میکنند ما به عنوان نیروی چپ پیشرو و انقلابی باید هوشیار باشیم. به جا است که در چاپ این گونه اخبار در نشریه نبرد خلق حساسیت بیشتری به خرج داده شود.

جاوید - تیر ۷۵

و پاسخ به آن

با اعتقاد به این امر که پویایی فکر و اندیشه، در جدالهای فکری، تحقق می پذیرد، از انتقاد آقای جاوید، مثل هر انتقاد دیگری، با روی باز استقبال می کنم. این استقبال نه به این خاطر است که مضمون انتقاد را تأیید کنم، بلکه به خاطر این است که خوانندگان نبرد خلق بتوانند نظرات خود را در نشریه منعکس کرده و از نظرات دیگران نیز باخبر شوند. در نامه این دوست عزیز که متن کامل آن در همین صفحه چاپ شده، چند نکته مهم و محوری وجود دارد که پیرامون آن می توان مطالب زیادی نوشت. اما من عجلتاً نظر خود را در دو محور دسته بندی می کنم.

۱- انتشار خبر یک رویداد

۲- موضع گیری در قبال این رویداد

در مورد اول، ما هر ماه مطالب زیادی برای درج در نشریه دریافت می کنیم. از آن جا که تعداد صفحات نبرد خلق محدود است، امکان درج تمام مطالب را پیدا نمی کنیم. اما به خصوص سعی می کنیم آن تعداد اخبار فرهنگی، هنری، مطالب مربوط به پناهندگان، اخبار مربوط به ترور و سرکوب رژیم که دریافت کرده باشیم را به چاپ برسانیم. رسانه ای که اخبار آن یک جانبه باشد، نه فقط از نظر علم ارتباطات عمومی یک سیاست ضد علمی و کهنه شده را پیش می برد، بلکه با مخاطبین خود توهین آمیز برخورد می کند. زیرا به آنان امکان نمی دهد که از یک رویداد آن گونه که واقعا اتفاق افتاده باخبر شوند. یکی از اصیلترین علتهایی که رسانه های گروهی اتحاد شوروی سابق نتوانستند در مقابل رسانه های کشورهای بزرگ غربی مقاومت کنند، همین امر بود. ما با هرگونه سانسور خبر مخالفیم و اگر تمام اخبار و رویدادها را منعکس نمی کنیم، به این علت است که اولاً صفحات محدود نشریه اجازه چنین امری را نمی دهد و ثانیاً بسیاری از رویدادها، با ابعاد وسیعی در رسانه های دیگر انعکاس یافته و در موقع انتشار نشریه ما، تقریباً خبر کهنه شده ای است و ثالثاً آن که ما از بسیاری رویدادها مطلع نمی شویم. با این حال تاکنون سعی کرده ایم مهمترین اخبار مربوط به کشور خودمان را به نوعی منعکس کنیم. ما خبر نمایش فیلمهایی که در ایران ساخته می شود و در خارج از کشور به نمایش گذاشته می شود را پخش می کنیم و حتی در مواردی خوانندگان نبرد خلق را تشویق کرده ایم که این فیلمها را ببینند.

در مورد انتشار خبر کنسرت آقای شهرام ناظری هم ما از همین سیاست پیروی کردیم و اعتقاد داریم که این سیاست درستی است. نکته دوم، موضع گیری در قبال یک رویداد است. ما ممکن است با یک رویداد موافق، مخالف، بی نظیر، بی طرف و یا مقداری موافق و مقداری مخالف و یا هر نظر دیگری داشته باشیم. به طور مثال ما با رفرا ندوم جمهوری اسلامی که در ابتدای به قدرت رسیدن خمینی صورت گرفت مخالف بودیم و آن را تحریم کردیم، خمینی ما را دو درصدیها نامید. البته آمار او جعلی و مبتنی بر رقم سازیهایی بود که در این رفرا ندوم صورت گرفته بود. اما نباید تردید کرد که اکثریت قاطع مردم ایران در این رفرا ندوم شرکت کردند. ما اکنون که به گذشته برمی گردیم موضع آن موقع خود را هنوز هم تأیید می کنیم. منظور از این مثال این است که موضع گیری ما در قبال یک رویداد، تابع موضع گیری دیگران (این دیگران هر تعداد که می خواهد باشد) نیست.

در مورد موضع گیری در قبال یک رویداد هنری و فرهنگی، به نظر ما باید اولاً آزادی بدون قید و

شرط اندیشه و هنر و رد هرگونه مرزبندی محدودگرانه در این مورد را به رسمیت شناخت و ثانیاً بین یک اثر هنری و خالق این اثر تفاوت قائل شد. آفرینندگان بسیاری از آثار برجسته هنری، دارای گرایشات فکری بوده اند که مسلماً مورد تأیید نیروهای ترفیخواه نیست. نویسندگان و هنرمندان بوده اند و هستند که مواضع سیاسی و اجتماعی آنان مورد تأیید نیروهای ترفیخواه نبوده و نیست. اما همین افراد آثار بزرگ و فراموش نشدنی آفریده اند. در مورد موضوع مورد بحث هم به نظر من نمی توان منکر کار هنری شهرام ناظری شد. در مورد خود او و یا هنرمندانی مثل او که در ایران ساکن هستند هم نباید عجولانه و غیر مسئولانه برخورد کرد و یا دیوار کوتاه گیر آورد. ما هنوز هیچ دلیلی در دست نداریم که هیچکدام از هنرمندان و فرهنگیان برجسته کشورمان به رژیم تسلیم شده و یا مهمتر از آن در جهت اهداف این رژیم حرکت کرده باشند. رژیم آخوندها، ضد بشر، ضد هنر و ضد فرهنگ است و طبعاً نمی تواند اکثریت قاطع هنرمندان را جذب کند و هر کار هنری و فرهنگی، عملاً این رژیم را تضعیف می کند. هم طراز قراردادن کار فرهنگی و هنری، با مبارزه سیاسی و اجتماعی و مهمتر از آن انتظار برخورد یکسان از هنرمندان، تضعیف جبهه گسترده مبارزه علیه ارتجاع حاکم است. متأسفانه شرایطی به وجود آمده که ما به اندازه کافی از هنرمندان و فرهنگیان کشورمان حمایت نمی کنیم. وقتی آنان را از دست می دهیم، به سوگ آنان می نشینیم. بسیاری از هنرمندانی که پس از مرگشان، مورد ستایش ما قرار گرفته اند، تا وقتی که زنده بودند، اساساً مورد توجه نبودند.

در خاتمه ضروری می دانم که به اطلاع دوست عزیز نویسنده نامه اعتراضی برسانم که بسیاری از هنرمندانی که در خارج از کشور برنامه اجرا کرده اند و منجمه خانم پریسا، هنگام برگشت به کشور، با فشارهای گوناگون مواجه بوده اند. من به دوست عزیز جاوید توصیه دوستانه و صمیمانه می کنم که در مورد اخباری که عموماً بدون مسئولیت پخش می شود، دقت و وسواس لازم را رعایت کند. این البته یک توصیه است. تا خوانندگان نبرد خلق چگونه قضاوت کنند.

زینت میرهاشمی

اطلاعیه
در مورد حق اشتراک و کمک مالی

مدتی است که پاکتهای حاوی پول که به آدرس پستی نبرد خلق در پاریس ارسال می شود، به دست ما نمی رسد. از این رو از خوانندگان نبرد خلق و هواداران سازمان می خواهیم که هیچ پول نقدی به وسیله پست برای آدرس سازمان در فرانسه ارسال نکنید. در آمریکا و کانادا حق اشتراک و کمک مالی خود را از طریق چک یا Money order به نام F. FARHAN به آدرس سازمان در کالیفرنیا ارسال کنید. در اروپا یا به حساب بانکی سازمان که در هر شماره نبرد خلق چاپ میشود واریز کنید و یا قبل از ارسال پول مالی ما با تماس بگیرید.

رادیو ارس

صدای دوستاناران

دموکراسی، صلح و سوسیالیسم

هر شنبه از ساعت ۸ تا ۱۰ شب در ونکوور کانادا
آدرس تماس یا رادیو ارس
ARAS, TC 216 SFU, Burnaby, B.C V5A 1S6
CANADA

پاسخ به نامه های رسیده

۱۳۳ مجدداً برای شما ارسال می شود. در مورد پرداخت هزینه نشریه از طریق نامه برای شما توضیح می دهیم.

- آقای محسن از هلند، نامه اول شما همراه با پولی که فرستاده بودید به دلیل اشکالات پستی در فرانسه به دست ما نرسیده است. اما نامه دوم شما با پولی که فرستاده بودید، دریافت شد. نشریه ۱۳۲ برای شما ارسال شده است.

- خانم اقدس امینی از هلند، نامه شما همراه با آبونمان نشریه دریافت شد. پرونده شما را در اختیار انجمن فرهنگی نبرد در هلند گذاشتیم تا به آن رسیدگی نمایند. برای شما آرزوی موفقیت می کنیم.

- آقای حمید از هلند، طی نامه ای در رابطه با خطری که پناهجویان ایرانی را تهدید می کند متذکر شده اند که: "حقیقتاً با توجه به فعالیتهای اطلاعاتی و ترورهای رژیم در خارج از کشور و سرکوب تظاهرات دانشجویان در تبریز که منجر به دستگیری عده زیادی از آنان و اعدام ۹ نفر در ملاء عام شد چطور ممکن است یک پناهنده سیاسی بعد از ورود به ایران با شکنجه و اعدام مواجه نشود..." آقای حمید همچنین از زحمات انجمن فرهنگی نبرد در هلند تشکر کرده اند و خواسته اند که اعتراض ایشان را به دادگستری و وزارت امور خارجه هلند برسانیم. در این مورد باید بگویم که سازمان ما و انجمن فرهنگی نبرد در هلند به طور مرتب با مقامات ارسال نامه های اعتراضی و تماسهای مداوم با مقامات هلند، به این مسئله اعتراض نموده و خواستار تغییر روش آنها نسبت به پناهجویان ایرانی شده است

- واحد توزیع نشریه بهار ایران که در هلند چاپ می شود، با ارسال نامه ای خواهان دریافت نبرد خلق شده اند. ضمن تشکر جهت ارسال مرتب نشریه بهار ایران، نبرد خلق از شماره ۱۳۳ فرستاده شده است.

- خانم میترا از آمریکا برای کمک رساندن به پناهندگان متحصن در ترکیه خواستار آدرس دقیق و شماره حساب بانکی این پناهندگان در ترکیه شده اند. به اطلاع خانم میترا می رسانیم که پلیس ترکیه این تحصن را به هم زده و اکنون پناهندگانی که قبلاً متحصن بودند متفرق شده اند. در صورتی که مایل باشید به یک یا چند نفر از این پناهندگان کمک مالی کنید با ما تماس بگیرید. در ضمن فرم آبونمان برای شما ارسال شد.

- آقای حمیدرضا نقی پور از آمریکا، نامه شما دریافت شد. نشریه ۱۳۳ همراه با فرم آبونمان برای شما ارسال شده است.

- انجمن فرهنگی نبرد - هلند، مبلغ ۲۰۰ کلیدن کمک مالی شما دریافت شد.

- انجمن دوستی ایران - دانمارک، نامه شما همراه با مبلغی که فرستاده بودید، دریافت شد. نبرد خلق برای شما به طور مرتب ارسال خواهد شد. بابت ارسال آبونمان نشریه، از شما تشکر می کنیم.

- آقای پیام بختیاری از هلند، همان طور که حدس زده اید به دلیل اشکالات پستی در فرانسه، فرم شما به دست ما نرسید. لذا ارسال نشریه برای شما قطع شد. با پوزش از شما، نبرد خلق از شماره

NABARD - E - KHALGH

Organ of the
Organization of Iranian People's Fedaian Guerillas
Executive Editor: Zinat Mirhashemi
Published by:
NABARD CULTURAL ASSOCIATION

No : 134 22. July . 1996

NABARD
Post fach 102001
50460 Koln
GERMANY

NABARD
Post fach 121
1061 Wien
AUSTRIA

HOVIAT
P.O Box , 1722
Chantilly, VA
20153-1722 U.S.A

NABARD
Casella Postale 307
65100 Pescara
ITALIA

NABARD
P.O. Box 56525
shermanoaks, CA
91413 U.S.A

NABARD
P.O. Box 15 Toronto
ont , M 5 S 2SG
CANADA

Price: 7 F Fr 2 DM 1/5 \$ U

نبرد خلق
ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
مدیر مسئول: زینت میرهاشمی
چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای تماس مستقیم با نبرد خلق و اشتراک آن، با آدرس زیر تماس بگیرید.

NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX / FRANCE
FAX : I - 714 - 2629344 U.S.A

فرم اشتراک نبرد خلق

Name :
Address :

بهای اشتراک سالانه نبرد خلق

اروپا ۷۵ فرانک فرانسه
آمریکا و کانادا ۱۸ دلار آمریکا
تک شماره ۷ فرانک فرانسه

حساب بانکی سازمان

نام بانک : SOCIETE GENERAL
آدرس بانک : BOULOGNE - S - SEIN
FRANCE
کد گیشه : 03760
شماره حساب : 00050097851
نام صاحب حساب : Mme. Talat R.T

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۶
۲۸ مرداد ۱۳۵۸ - اعلام جهاد خمینی علیه کردستان ایران
۳۰ مرداد ۱۳۵۸ - اشغال دفتر مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در تهران توسط مزدوران و چماقداران رژیم خمینی
۳ مرداد ۱۳۶۰ - آغاز کار رادیو "صدای مجاهد"
۴ مرداد ۱۳۶۰ - اعدام مجاهد خلق محمدرضا سعادت به وسیله رژیم خمینی
۲۲ مرداد ۱۳۶۲ - شهادت کاکه اقبال کریم نژاد از فرماندهان حزب دموکرات کردستان ایران و ۱۶ پیشمرگ قهرمان این حزب در درگیری نظامی با نیروهای رژیم جمهوری اسلامی
۲ مرداد ۱۳۶۳ - حمله مزدوران جمهوری اسلامی به اعتصاب کارگران کارخانه کانااداداری و به خون کشیدن این اعتصاب
۳ مرداد ۱۳۶۷ - آغاز عملیات تاریخی فروغ جاویدان
۶ مرداد ۱۳۶۷ - به دستور خمینی قتل عام زندانیان سیاسی ایران آغاز شد. مزدوران خمینی طی چند هفته، هزاران نفر از زندانیان سیاسی را به طور وحشیانه قتل عام نمودند. در سالروز این جنایت بزرگ، یاد و خاطره همه آنان را گرمی می داریم.
۱۲ مرداد ۱۳۷۳ - مردم قزوین، طی یک قیام دو روزه نفرت و انزجار خود را از رژیم آخوندها اعلام کردند.
۱۳ مرداد ۱۳۷۳ - غفور حمزه ای، عضو کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران به وسیله مزدوران رژیم ایران در بغداد ترور شد.
۲۷ مرداد ۱۳۷۳ - خانم مرضیه، بانوی بزرگ آواز ایران، در دیدار با خانم رجوی پیوستگی خود را به مقاومت ایران اعلام کرد.
۲۴ ژوئیه تا ۲۳ اوت ۱۷۸۳ - تولد سیمون بولیوار، یکی از چهره های انقلابی و آمریکای لاتین
۲۷ ژوئیه ۱۷۹۴ - روبسپیر، که چند هزار نفر را با گیوتین اعدام کرده بود، خود به وسیله گیوتین در سن ۳۶

سالگی اعدام شد.
۲۴ ژوئیه ۱۸۶۸ - ماده پلاستیک به وسیله جان پلاست شیمیدان آمریکایی کشف شد.
۵ اوت ۱۸۹۵ - درگذشت فردریک انگلس، آموزگار پرولتاریای جهان
۱ اوت ۱۹۱۴ - آغاز جنگ جهانی اول
۲۵ ژوئیه ۱۹۳۵ - آغاز کار کنگره هفتم کمینترن
۲۱ اوت ۱۹۴۰ - لئون تروتسکی، یکی از رهبران انقلاب سوسیالیستی در روسیه، در شهر مکزیکوسیتی به علت جراحتهای حاصله از زخم درگذشت.
۲۰ اوت ۱۹۴۴ - رومن رولان نویسنده بزرگ فرانسوی در سن ۷۸ سالگی درگذشت.
۲ اوت ۱۹۴۵ - استقرار جمهوری دموکراتیک ویتنام در شمال این کشور
۶ اوت ۱۹۴۵ - انفجار نخستین بمب اتمی در شهر بندری هیروشیما در ژاپن، توسط ارتش آمریکا. در اولین لحظه انفجار، بیش از ۹۰ هزار نفر کشته و حدود ۸۰ هزار نفر زخمی شدند. پس از آن نیز تعدادی از زخمیهای این بمباران کشته شدند.
۹ اوت ۱۹۴۵ - دومین بمب اتمی آمریکا در بندر ناکازاکی ژاپن منفجر شد. در اولین لحظات این انفجار حدود ۸۰ هزار نفر کشته و دهها هزار نفر زخمی شدند.
۲۳ ژوئیه ۱۹۵۲ - قیام افسران جوان مصر به رهبری جمال عبدالناصر
۲۶ ژوئیه ۱۹۵۳ - حمله انقلابیون کوبا به رهبری فیدل کاسترو به پادگان مونکادا
۲۶ ژوئیه ۱۹۵۶ - کانال سوئز به وسیله جمال عبدالناصر رئیس جمهور مصر، ملی اعلام گردید.
۲۳ ژوئیه ۱۹۶۱ - تاسیس جبهه ساندینیست در نیکاراگوئه
۱۲ اوت ۱۹۷۴ - مقاومت قهرمانان فلسطینی ها در اردوگاه تل زعتر پس از ۵۲ روز در جریان توطئه مشترک اسرائیل، دولت سوریه جنبش ارتجاعی امل و فلائزبتهای لبنان شکسته شد.
۱۲ اوت ۱۹۷۵ - امضاء موافقتنامه هلسنینگی توسط دولتهای آمریکا و شوروی و حمایت تمدادی دیگر از دولتها از این موافقتنامه □

۳۸ تن از زندانیان سیاسی در خطر اعدام قرار دارند

جمعی از پناهندگان سیاسی در فرانسه با انتشار اطلاعیه‌ی بی در روز ۱۵ تیر ماه (۵ ژوئیه)، ضمن اشاره به اعدام سه تن از زندانیان سیاسی ایران از جمله فدایی خلق احمد باختری، نسبت به در خطر بودن جان ۳۸ زندانی سیاسی دیگر، هشدار دادند. اسامی تعدادی از زندانیان مزبور عبارتند از:

مجید ذهاب قدم، مهرداد کلانی، حسین حیدری، فریبرز محمدی، ایرج جواهری، فریبرز مقتدر، صادق سلیمی، محسن گردش فر، یوسف امیرچیان، مسلم تربتی، عبدالکریم کوش راوی، سعید نوروزبیگی، حمید میرسعیدی، همایون میرسعیدی، ولی الله احمدی، مرزان کلاته، عباس محمدی فرد، علی ساغری، عباس علی پور، مجید حسینی، حسن مقتدایی، حمید کاظمی، فرشاد عزیززاده، محمود مسگر، منوچهر حسن زاده، علی صارمی، محمد زارع، اکبر شفتت، علیرضا شریعت رضوی، اصغر کیشی، مسعود دهنوی، مهرداد ابریشم کار، وحید چیتگر، داوود سلیمانی اشرفی، پرویز داهو، بهنام علی آبادی (زندان گرگان)، کریم طهماسب پور (زندان تبریز).

در یک اطلاعیه دیگر، مجموعه فعالیت‌هایی که گروه مزبور جهت نجات جان این ۳۸ تن زندانی انجام داده اند مورد اشاره قرار گرفته است. تجمع در مقابل دفتر سازمان عفو بین الملل در پاریس و ملاقات با مسئول دفتر مزبور، ارسال تلگراف‌های اعتراضی به سایر مراکز حقوق بشری، تماس با سازمانها، نیروهای ایرانی و مطبوعات، تدارک هیأتی جهت ملاقات با خانم میتران، مسئول "بنیاد فرانسه - آزادی"، از جمله اقدامهای انجام شده در این زمینه است. در اطلاعیه شماره ۲ جمعی از پناهندگان سیاسی در فرانسه، گزارش ملاقات با یکی از مسئولین بنیاد، فرانسه - آزادی" به اطلاع عموم رسیده است. پناهندگان مزبور از کلیه هموطنان خواسته اند که با ارسال اسامی این زندانیان به نهادهای حقوقی، احزاب و سازمانهای مختلف و مطبوعات... افکار عمومی جهانیان را جهت نجات ۳۸ زندانی سیاسی که در خطر اعدام قرار دارند، برانگیزند.

ارتش ترکیه در مقابله با پیشمرگان کرد ایرانی

در حالی که روز اول تیرماه شماری از پیشمرگان حزب دموکرات کردستان ایران در خاک ایران در حال تردد بودند که در ساعت ۳ بعد از ظهر با ارتش ترکیه روبرو می شوند. آنها دو پیشمرگه بدون سلاح نزد نیروهای ارتش ترکیه می فرستند تا حسن نیت خود را نشان دهند. اما نیروهای ارتش ترکیه بدون توجه به هرگونه عرف و قانونی، پس از صحبت با این دو پیشمرگه، با وحشیگری هر چه تمامتر این دو پیشمرگه را تیرباران کرده و به شهادت رساندند. هم زمان با این جنایت، نیروهای ارتش ترکیه لحظه به لحظه به پیشمرگان نزدیکتر می شوند و حلقه محاصره را تشدید می کنند. قابل توجه است که ارتش ترکیه به منظور ضربه زدن به پیشمرگان حزب، از خاک ایران استفاده کردند. در نتیجه این جنگ تحمیلی، متأسفانه ۷ پیشمرگه دموکرات، قربانی شدند و بنظرمات به شهادت رسیدند. لازم به ذکر است که ساعت ۱۰ شب پس از این درگیری، دسته ای از پیشمرگان دموکرات به کمین نیروهای ارتش ترکیه افتادند و در این کمین یک پیشمرگه به نام عبدی باقوی به اسارت نیروهای ارتش ترکیه افتاد. رادیو صدای کردستان ایران ۹/تیر/۷۵

پارلمان کردهای در تبعید

روز ۲۵/تیر/۷۵ در رم پارلمان کردهای در تبعید تشکیل گردید. این جلسه قرار بود در محل مجلس ایالتی رم و تحت ریاست رئیس این مجلس جرجوفروکوزی تشکیل گردد. در رابطه با این تغییر برنامه وی اعلام داشت که به خاطر حفظ منافع عالی کشوری و پس از چندین گفتگوی تلفنی با وزیر خارجه ایتالیا و نخست وزیر این کشور، مجبور شدیم که برنامه را تغییر داده و مهمانان کرد را روانه هتلی سازیم که در آن جا بتوانند این اجلاس را که چهار روز به طول خواهد انجامید، برگزار کنند. رادیو آلمان که این خبر را پخش نمود گفت، در این اجلاس که ۶۴ نماینده کرد در آن شرکت دارند، احزاب مختلف ایتالیایی نیز حضور داشتند. نمایندگان پارلمان ایتالیا که پیام همبستگی احزاب خویش را قرائت نمودند، همگی به تصمیم وزیر خارجه ایتالیا در رابطه با این مساله اشاره کرده و از وی شدیداً انتقاد کردند.

فراکتو دانیالی عضو کمیسیون خارجه مجلس ایتالیا که به نمایندگی از یکی از احزاب ائتلاف دولتی صحبت می کرد اعلام داشت که وی و سایر دوستان حزبی اش بر سر مساله حقوق بشر حاضر به سازش نیستند و اگر دولت کنونی بخواهد در رابطه با زیر پا گذاشتن حقوق بشر و حقوق اقلیتها در کشورهایی چون ترکیه و ایران سکوت نماید، تن به سازش با نیروهای ارتجاعی حاکم بر این کشورها دهد، آنها پشتیبانی خویش را از دولت پس گرفته و از ائتلاف خارج خواهند شد.

شهادت در زیر شکنجه

روز ۹/خرداد/۷۵ یکی از هموطنان به نام کاظم میرزایی فرزند اعظم اهل روستای خوشه خوی در ناحیه ترگه ور (حومه ارومیه) زیر شکنجه جلدان جمهوری اسلامی در زندان ارومیه جان خود را از دست داد... کاظم میرزایی در تابستان سال ۷۳ از سوی نیروهای ضد خلقی رژیم به اتهام همکاری با حزب دموکرات کردستان ایران دستگیر و تا هنگام شهادت زیر شکنجه، اذیت و آزار رژیم قرار داشت ولی هرگز تسلیم خواستهای رژیم نشد و به زانو در نیامد.

رادیو صدای کردستان ایران ۷/تیر/۷۵

درگذشت یکی از اعضای حزب دموکرات کردستان ایران

رادیو پژواک در برنامه روز ۲۰/تیر/۷۵ اعلام نمود که: "کامران هدایتی از اعضای حزب دموکرات کردستان ایران که دو سال و نیم پیش در اثر انفجار یک نامه حاوی بمب که برای وی در سوئد ارسال شده بود به سختی مجروح شد و بینایی چشم خود را از دست داد روز سه شنبه گذشته در سن ۵۲ سالگی درگذشت. هدایتی که در اولین انتخابات مجلس شورای اسلامی از طرف حزب دموکرات کردستان ایران در شهر بوکان نامزد نمایندگی شده بود، به نمایندگی مجلس انتخاب شد، اما از حضور وی در مجلس جلوگیری شد. هدایتی در سال ۱۹۸۹ به عضویت در کمیته مرکزی حزب دموکرات کردستان ایران انتخاب شد، اما مدتی بعد برای معالجه به همراه خانواده اش به سوئد مهاجرت نمود. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران درگذشت آقای هدایتی را به خانواده و دوستان او تسلیت می گوید.

□



در برابر تندر می استند خانه را روشن می کنند و می میرند

شهادت فدایی مرداد ماه

رفقا: زین العابدین رشتچی - غلامرضا بانژاد - حسین الهیاری - محمد صفاری آشتیانی - عباس جمشیدی رودباری - داریوش شفتانیان - عباسعلی شریفیان - قدرت الله شاهین سخن - فرزاد صیامی - عبدالکریم عبدالله پور - فرامرز شریفی - فرخ سپهری - مهدی فضیلت کلام - مهدی یوسفی - حسن کهل - ابراهیم جلالی - فیروز صدیقی - ونداد ایمانی - گودرز همدانی - جهانبخش پایداری - جمیل اکبری آذر - جمشید پورقاسمی - مرتضی (امیر) فاطمی - محمدرسول عزیزیان - بیژن مجنون - هادی حسین زاده کرمانی - زهرا فرمانبردار - عظیم سرعتی - مسعود جعفرپور - فریدون شافعی - جواد کاشی - یوسف کیشی زاده - احمد زبیرم - سعید میرشکاری - هرمز گرجی بیانی - ابوالقاسم رشوند سرداری، از سال ۵۰ تاکنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع به دست مزدوران رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند، یادشان گرامی باد

برخی از رویدادهای تاریخی مرداد ماه

داخلی:

- ۱۸ مرداد ۱۲۷۵ - اعدام میرزا رضای کرمانی از مبارزین مشروطه خواه توسط دژخیمان مظفرالدین شاه
- ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ - امضای فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه و تحقق یکی از خواستهای مردم
- ۱۱ مرداد ۱۲۸۸ - اعدام آخوند ارتجاعی شیخ فضل الله نوری
- ۲۷ مرداد ۱۳۰۹ - محمد غفاری (کمال الملک)، نقاش برجسته ایران در نیشابور در سن ۸۳ سالگی درگذشت.
- ۳۰ مرداد ۱۳۱۴ - حمله مزدوران رژیم رضا شاه به مردم مشهد در مسجد گوهرشاد
- ۲۷ مرداد ۱۳۲۴ - قیام افسران خراسان
- ۳۰ مرداد ۱۳۳۰ - تصویب لایحه اختیارات دکتر مصدق در مجلس سنا
- ۱۲ مرداد ۱۳۳۲ - فرزندم دکتر محمد مصدق برای انحلال مجلس دوره هفدهم و شرکت میلیونها نفر از مردم ایران در این فرزندم به حمایت از پیشنهاد دکتر مصدق
- ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ - شکست توطئه کودتا علیه دولت دکتر مصدق و فرار محمدرضا شاه از ایران
- ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - انجام کودتای ننگین آمریکایی - انگلیسی علیه دولت ملی دکتر مصدق و سقوط این دولت
- ۲۶ مرداد ۱۳۳۴ - تیرباران تعدادی از افسران مبارز وابسته به حزب توده
- ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ - فاجعه آتش سوزی در سینما رکس آبادان
- ۱ مرداد ۱۳۵۸ - انتشار اولین شماره نشریه مجاهد پس از انقلاب بهمن ۵۷
- ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ - انجام انتخابات مجلس خبرگان به جای مجلس مؤسسان جهت تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی

بقیه در صفحه ۱۵